

سنجش اثرات گردشگری منفعت محور حامی فقرا بر مناطق روستایی و تبیین راهبردهای اتخاذ شده از سوی روستائیان (مطالعه موردی روستاهای اطراف دریاچه زریبار شهرستان مریوان)

سعدی محمدی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستائی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

saadi@pnu.ac.ir

سید طاهر بارخدا (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

taher@yahoo.com

چکیده

توسعه گردشگری حامی فقرا، نسخه پذیرفته شده مدیریت توسعه مقاصد گردشگری روستایی در راستای حرکت به سمت فقرزدایی مبتنی بر رشد همراه با توزیع مجدد منافع حاصل از گردشگری است. نیازی که در مقاصد گردشگری روستایی محور تالاب زریوار به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری روستایی استان کردستان با توجه به گستره فقر روستایی، کاملاً قابل درک بوده و پژوهش کاربردی حاضر نیز در این راستا به منظور سنجش وضعیت توسعه این رویکرد مدیریت گردشگری در میان روستاهای محور تالاب، صورت پذیرفته است. این پژوهش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر گردآوری داده‌ها در بخش نظری با منابع اسنادی و در بخش عملی مبتنی بر پیمایش میدانی با ماهیتی کمی گرایانه و قیاسی و به صورت مقطعی در میان ۸ روستای پیرامون تالاب زریوار انجام پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش را سرپرستان خانوار روستاهای محور تالاب در بر می‌گیرد که با فرمول کوکران و توزیع طبقه‌ای تعداد ۳۶۳ پرسشنامه محقق ساخته، دربرگیرنده شاخص‌های مرتبط با کاهش فقر روستایی متأثر از توسعه گردشگری در میان آنها توزیع گردید. یافته‌های حاصله به واسطه تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای آمار استنباطی، نشان داد که در سه بعد بهبود وضعیت اقتصادی (۲,۳۳)، اجتماعی (میانگین ۲,۲۸) و طبیعی (۲,۹۷) وضعیت نامناسب و تنها در بعد بهبود وضعیت کالبدی - فضایی (۳,۰۸) است که توسعه گردشگری در سطح منطقه مورد مطالعه توانسته است به تغییرات نسبتاً مثبتی در کیفیت زندگی فقرای روستایی منجر گردد. همچنین، موثرترین بعدی که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی وضع موجود نامناسب در ارتباط با عدم اثرگذاری گردشگری در حمایت از فقرای روستایی منطقه مورد مطالعه را دارد؛ بعد اقتصادی و سپس؛ اجتماعی هستند. نتایج حاصله، نشان از وجود تفاوت معنی‌دار در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و عدم وجود این تفاوت در دو بعد طبیعی و کالبدی در میان اثرگذاری توسعه گردشگری بر کیفیت زندگی فقرای روستاهای مورد مطالعه است که توسط سه متغیر جمعیت خانوارها، سن و تنوع منابع درآمدی روستا قابل تبیین بودند. کارگری ساده در مراکز خدماتی گردشگری؛ افزایش ساعات کاری؛ قرض گرفتن پول جهت تامین سرمایه؛ مصرف پس‌اندازها و فروش طلا و فلزات گرانبها ذخیره‌ای جهت تامین سرمایه؛ فروش زمین و یا اجاره دادن باغات؛ دریافت وام و بازاریابی مجازی و فروش مجازی صنایع دستی و اقامتگاه، مهمترین؛ راهبردهای اتخاذی از سوی فقرای روستایی منطقه در راستای تامین معیشت و یا بهره‌مندی از منابع گردشگری بوده است که نشان از عدم شکل‌گیری گردشگری حامی فقرا در سطح منطقه و انزوای فقرای روستایی در بازار گردشگری آن دارد.

واژگان کلیدی: گردشگری روستایی؛ گردشگری منفعت محور حامی فقرا؛ مدیریت گردشگری؛ نواحی روستایی محور تالاب زریوار.

مقدمه

تأمین معیشت روستاییان و مهمتر از آن، پایدار نمودن سیستم های معیشتی به عنوان اصل اساسی در رویکرد غالب برنامه ریزی توسعه روستایی در عصر حاضر پذیرفته شده است. (محمدی و راستگو نژاد، ۱۳۹۷: ۱۶۱) در این راستا توسعه گردشگری، پاسخی به ریسک های مهم تهدیدکننده هویت و موجودیت نواحی روستایی از جمله کاهش جمعیت و مهاجرت، انزوا در ساختار اقتصادی جهانی، نابودی منابع طبیعی و فقر گسترده می باشد (Ionela et al, 2015: 1050). ویژگی های خاص صنعت پرطرفدار و پرمفعت گردشگری، مانند عدم نیاز به تخصص و سرمایه زیاد و مبتنی بودن بر فرهنگ و طبیعت بومی و محلی روستاییان، موجب شده تا توان آن برای جذب و حمایت از فقرای روستایی به ویژه محرومترین اقشار آنها یعنی زنان، افزایش یابد (Ashley et al, 2005: 15). استفاده از گردشگری برای رشد فقرا به معنای سرمایه گذاری بر روی این سرمایه ها و در عین حال، کاهش تأثیرات منفی توسعه گردشگری بر معیشت فقرا است. در واقع در این رویکرد، تغییر پارادایمی و زیربنایی از تاکید بر نقش اصلی دولت و حصول به رشد اقتصادی به گردشگری پایدار صورت می گیرد. توجه به فقرا به کانون نگرانی ها در برنامه های توسعه گردشگری تبدیل شده و میزان برخورداری فقیران از منافع خالص گردشگری، معیار اولیه توجه هرگونه ابتکار توسعه ای مبتنی بر گردشگری است. (Ashley and Boyd, 2000: 3). گردشگری حامی فقرا^۱ (PPT) نه محصول گردشگری است و نه نوعی گردشگری، بلکه یک اصل توسعه موفقیت آمیز فعالیت های گردشگری است که می تواند و باید در تمامی استراتژی ها و طرح های توسعه ای که زمینه آن توسعه گردشگری مرتبط یا مرتبط است؛ اجرا شود (Škrbić & et al, 2018: 389). تمرکز بر گردشگری حامی فقرا بر روی معیشت اضافی و تکمیلی در سطح فردی و خانوار قرار دارد. بایستی توسعه گردشگری، مکمل استراتژی های معیشتی موجود باشد نه اینکه با آنها رقابت کند و یا جایگزین اشکال عمده تأمین معیشت شود؛ مکمل بودن موجب می گردد که ریسک ورود به بازار گردشگری و پرداختن به مشاغل مرتبط با آن کاهش یابد. (Hawkins and Mann, 2007: 349؛ Rossetto et al, 2007: 50). به بیان ساده تر، گردشگری حامی فقرا یک ابتکار اجرایی است که در پی افزایش منافع خالص گردشگری برای فقرا بوده و تلاش می کند نحوه توزیع منافع اقتصادی همه انواع گردشگری (از جمله گردشگری انبوه) را به نفع افراد فقیری تغییر دهد که خارج از بخش رسمی گردشگری قرار دارند یا توانایی دسترسی به این بخش را ندارند (Yang and Hung, 2014: 880). استراتژی ها برای حمایت از فقیران گردشگری، به جای گسترش اندازه کلی بخش، به ویژه بر روی باز کردن فرصت ها برای فقرا در گردشگری تمرکز دارند. (Ashley and Roe, 2002: 83).

گردشگری مدت ها است که به عنوان سلاحی قدرتمند برای حمله به فقر شناخته می شود و شواهد حاصل از این وضعیت نیز موجب گردید که سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل (UNWTO) برنامه گردشگری پایدار برای از بین بردن فقر (STEP) را به عنوان یک چارچوب اقدام جهانی برای مهار فقر راه اندازی کرد (Zhao et al, 2007: 144). در کشورهایی مانند چین و هند که دارای جمعیت روستائین زیادی هستند و نیز در کشورهای در حال توسعه پیشرو و نواحی آفریقایی، آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا با استناد به مطالعات انجام گرفته؛ می توان گفت که توسعه گردشگری حامی فقرا به عنوان یک استراتژی مهم توسعه روستایی و بازآفرینی فضاهای روستایی شناخته شده و بکار گرفته می شود (Ma, 2024: 24؛ Karnani, 2018: 2؛ United Nations World Tourism Organization, 2020؛ Sharma, 2022: 2؛ Croes, 2015: 293؛ Shah et al, 2022: 4). در این میان، چین به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در عرصه فقرزدایی روستایی که بخش مهمی از پروژه بازسازی روستایی این کشور را شامل می شود؛ توسعه گردشگری در نواحی روستایی در بخش های مختلف مرتبط با توانمندی های روستاها (کشاورزی-فرهنگی-تولیدی) را به عنوان یک نیرو محرکه اصلی در راستای پروژه های فقرزدایی خود عنوان کرده است (Jing et al, 2021: 120؛ Tang et al, 2022: 76).

استان کردستان با داشتن جاذبه های متعدد طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، در سال های اخیر به یکی از قطب های مهم گردشگری روستایی کشور مبدل شده است دو محور عمده گردشگری روستایی استان کردستان محور اورامان در شهرستان سروآباد و محور دریاچه زریبار در شهرستان مریوان است. (محمدی، مرادی و رشیدی، ۱۳۹۶: ۱۲۲). محور مورد مطالعه، بعد از محور روستایی اورامان در استان کردستان، به عنوان قطب دوم توسعه گردشگری روستایی استان، شناخته شده و هم اکنون نیز با استقبال فراوانی گردشگران داخلی و

¹ Pro-Poor Tourism

همچنین، معبود گردشگران خارجی همراه است که این استقبال به واسطه جذب سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه زیرساخت‌های اقامتی و رفاهی و سیاست‌های کلی کشور مبتنی بر توسعه گردشگری روستایی و استقبال گردشگران از تجارب بکر گردشگری در روستاها، به صورت مستمر در حال افزایش است. بنابراین، این مقصد گردشگری، توانسته است که در وضعیت فعلی خود را به عنوان یک مقصد نمونه و ممتاز گردشگری روستایی برای گردشگران داخلی، مطرح نماید و محیطی جذاب را جهت جذب گردشگران و سرمایه‌گذارها فراهم آورد و ظرفیت و توان‌های بیشتری هم در سطح منطقه به صورت بالقوه وجود دارد در مقابل؛ همانطور که در مطالب پیشین نیز به آن اشاره گردید؛ گردشگری به عنوان یک ابزار اصلی در توسعه اقتصادی و اجتماعی در نواحی روستایی تلقی شده و همواره آثار مثبت آن در پژوهش‌های متعدد به اثبات رسیده اما اینکه توانسته باشد به فقرزدایی، منجر گردد و گردشگری حامی فقرا و مبتنی بر منفعت‌بری فقرای روستایی در مقاصد گردشگری شکل گیرد؛ جای مذاقه و تحلیل دارد. اینکه، توسعه گردشگری به واقع، توانسته باشد؛ فضای اقتصادی و اجتماعی روستاها را جهت کار و فعالیت و معیشت فقرای روستایی، تغییر دهد و متناسب‌سازی نماید؛ اصل اساسی در شکل‌گیری گردشگری حامی فقرا بوده و دغدغه‌ای است که در مقاصد گردشگری روستایی، بایستی بدان پرداخته شود. بر همین اساس نیز در پژوهش حاضر، مسئله‌ای اصلی؛ بررسی و تحلیل آثار توسعه گردشگری و منفعت محوری آن برای فقرای روستایی روستاهای محور تالاب زریوار می‌باشد چرا که با وجود توسعه گردشگری در سطح منطقه و جذب سرمایه‌گذار و زیرساخت‌های مورد نیاز و تبدیل شدن این مقصد، به مقصدی شناخته شده در عرصه گردشگری، هنوز هم؛ گردشگری، نتوانسته به فرمی پایدار از توسعه بدل گردد و آثار فقر روستایی بر پیکره اقتصادی و اجتماعی روستاها مشاهده می‌گردد. نمود آن را می‌توان در سطح بیکاری پنهان و آشکار بالا و مهاجرت‌های روستایی از روستاهای محور تالاب دید که با استناد به طرح توسعه اقتصادی و اشتغالزایی شهرستان مریوان (۱۳۹۹)، مهمترین نماد ضعف توسعه اقتصادی در سطح منطقه محسوب می‌شود. این در حالی است که توان بالای گردشگری منطقه در تلفیق با سایر توان‌های طبیعی آن از جمله فعالیت‌های مختلف کشاورزی و سابقه و نمادهای فرهنگی آن، بایستی؛ می‌توانستند به فقرزدایی و توانمندسازی فقرای روستایی در سطح منطقه منجر گردند. شناخت وضعیت موجود و شفاف‌سازی آثار حاصله از توسعه گردشگری بر معیشت، کار و فعالیت زندگی فقرای روستایی این محور به منظور ارائه راهکارهای مداخله‌ای مناسب و متناسب با آنها، می‌تواند گام موثری در گسترش گردشگری حامی فقرا و توسعه آن در سطح این منطقه بکر گردشگری با گستره بالای فقر روستایی باشد. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به دو سوال ذیل است؛

۱. وضعیت گسترش گردشگری حامی فقرا در نواحی روستایی پیرامون تالاب زریوار به چه نحوی است؟
۲. در میان ابعاد مورد سنجش گردشگری حامی فقرا مرتبط با معیشت، کار و فعالیت فقرای روستایی، کدامیک؛ بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی وضعیت وجود آن در منطقه را دارد؟ آیا ارتباط معنی‌داری میان این ابعاد و شاخص‌ها وجود دارد؟
۳. راهبردهایی که فقرای روستایی در راستای ورود به بازار گردشگری منطقه و بهره‌مندی از منافع توسعه گردشگری اتخاذ کرده‌اند؛ کدامند؟

پیشینه پژوهش

چند نمونه از پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام گرفته با محوریت گردشگری حامی فقرا عبارتند از؛

نتایج پژوهش یانان و همکاران^۱ (۲۰۲۴) با تحلیل محتوای مقالات منتشر شده گردشگری بین‌المللی؛ توسعه گردشگری منفعت محور در دو ناحیه روستایی را به این شیوه از یکدیگر، تفکیک می‌کنند که در روستاهای سنتی‌تر و روستاهایی که با مراحل اولیه پذیرش و توسعه

¹ Yanan

گردشگری، مواجه هستند نیاز است که دو اصل حفظ اصالت و منفعت محوری فقرای روستای بر پایه مشارکت‌گرایی تمامی ذی‌نفعان مورد تاکید باشد. حفظ اصالت و حمایت از فقرا، کلید توسعه گردشگری در این روستاها خوانده می‌شود.

در پژوهش گائو و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، اثرگذاری توسعه گردشگری در کاهش فقر و آسیب‌پذیری معیشتی کشاورزان روستایی به ویژه کشاورزان سالخورده که به انزوا و درجه بالاتری از آسیب‌پذیری معیشتی و فقر دچار هستند؛ مورد تایید قرار گرفته است.

دوسو و همکاران^۲ (۲۰۲۳) با بررسی ارتباط بین گردشگری، کیفیت حکمرانی و کاهش فقر در آمریکای لاتین، نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی به کاهش فقر کمک می‌کند، درحالی که توسعه گردشگری، فقر را تشدید می‌کند. همچنین، نتایج، نشان می‌دهد که گردشگری و کیفیت حکمرانی تأثیرات مکملی در کاهش فقر دارند.

لیو و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در بررسی دیگری در مناطق روستایی چین، عامل اصلی توسعه گردشگری حامی فقرا و گردشگری منفعت‌محوری که بتواند به بازسازی و احیای نواحی روستایی منزوی و فقیر، دست یابد را دولت عنوان کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای دولتی مدیریت موثری را در هدایت گردشگران به مقاصد روستایی داشته و در این مقاصد نیز با ایجاد یک فضای مناسب کسب و کار و حمایت از فقرای محلی، توانسته‌اند آثار مثبت اقتصادی و اجتماعی ایجاد نمایند.

در پژوهش رضوانی و همکاران^۴ (۱۳۹۸) با عنوان بررسی ادراک ذینفعان از تحقق گردشگری حامی فقرا در روستاهای منتخب شرق استان سمنان، این نتیجه حاصل گردیده‌است که گردشگری باحمایتهای دولتی توانسته است فقر را از سه مسیر (مستقیم، غیرمستقیم و اثرات پویا) نسبتاً کاهش دهد به طوری که فرصت‌ها و مهارت‌های شغلی بخش بزرگی از فقرای روستایی را افزایش داده و همچنین باعث ارتقای نسبی انسجام، مشارکت و رفتارهای مسئولانه زیست محیطی شود.

رومیانی و همکاران^۵ (۱۳۹۵) با برآورد و سنجش رابطه اثرگذاری گردشگری با کاهش فقر در روستاهای چنگوره و اسماعیل‌آباد شهرستان آوج نشان می‌دهند که بین ابعاد گردشگری و کاهش فقر در محدوده مورد مطالعه رابطه معناداری و مثبتی وجود دارد. به‌طوری که در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی منجر به ایجاد تغییرات ساخت و سازهای روستایی، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی جاده‌ای، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی خانوار، کاهش مهاجرت ساکنین و... شده است.

نتایج پژوهش شکوری و بهرامی^۶ (۱۳۹۳) با عنوان مطالعه تاثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار(روستاهای قلعه نو و کلین شهرستان ری)، بر اثرگذاری گردشگری در کاهش فقر روستایی و افزایش تامین دارایی‌های معیشتی روستاییان به واسطه توسعه مشارکتی و ذی‌نفع محور بودن آن تاکید دارد.

اما در ارتباط با تفاوت و تمایز مطالعه حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین، می‌توان به نقاط ضعفی اشاره کرد که در پژوهش‌های پیشین، وجود دارد. لذا این پژوهش سعی کرده تا با برطرف نمودن آنها گامی فراتر و تحلیلی متمایزتر ارائه دهد. در ابتدا؛ مسئله‌محوری و

¹ Guo et al

² Dossou & et al

³ Liu

مکان‌محوری، دو اصلی بوده که در بررسی تأثیرات گردشگری بر زندگی و معیشت فقرای روستایی منطقه مورد تأکید قرار گرفته تا یافته‌های حاصله؛ مختص و ویژه شرایط میدانی منطقه گردد.

چهارچوب نظری

گردشگری روستایی

گردشگری روستایی یکی از شاخه‌های صنعت گردشگری است که با توجه به ظرفیت‌های فراوان موجود در روستاها می‌تواند نقشی مهم و تعیین‌کننده در تجدید حیات روستاها، ایجاد اشتغال و درآمد برای آنها، حفاظت از میراث‌های گوناگون طبیعی، تاریخی و فرهنگی و در نهایت توسعه یکپارچه و پایدار روستایی داشته باشد (باباخانزاده و لطفی، ۱۳۹۱: ۸۲). گردشگری؛ نسبت به دیگر راهبردهای توسعه اقتصادی روستاها، همچون: صنعتی کردن، کم هزینه‌تر و آسان‌تر است و می‌تواند با اعتبار سرمایه‌گذاری و آموزش و سرمایه اندک، توسعه یابد. بومی شدن این صنعت هم، نسبت به فعالیت‌های دیگر اقتصادی با توجه به ظرفیت‌های درون روستایی امکان‌پذیرتر است. در واقع؛ در شرایط موجود، عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از توسعه غیرراهبردی، می‌تواند با اتخاذ راهبردهای و برنامه‌های راهبردی مناسب از طریق گردشگری و بومی‌سازی، زمینه سرمایه‌گذاری را در این مناطق، بیش از پیش؛ فراهم کند (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸).



شکل ۱: انواع زمینه‌های توسعه گردشگری روستایی، منبع: (بوکانی و امیری، ۱۳۹۳: ۱۳۳۰)

افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، گردشگری روستایی را صرفاً متکی بر گردشگری کشاورزی ندانسته و آن را تمامی فعالیت‌هایی برمی‌شمارند که گردشگران در محیط روستایی انجام می‌دهند. از دیدگاه این نویسندگان، گردشگری، همانند هر فعالیت دیگری در محیط روستایی دارای تأثیرات مثبت و منفی که در این ارتباط و برای جلوگیری از ایجاد اثرات منفی، توسعه گردشگری در نواحی روستایی، نیازمند مدیریت اصولی و راهبردی با رویکرد پایداری بوده تا بدین ترتیب، ضعف‌ها و اثرات منفی به جلوه‌های مثبت و اثرگذار تغییر یابند (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶). بر این اساس، نیز، انواع ظرفیت‌های توسعه گردشگری در نواحی روستایی را به شرح جدول زیر، معرفی می‌کنند.

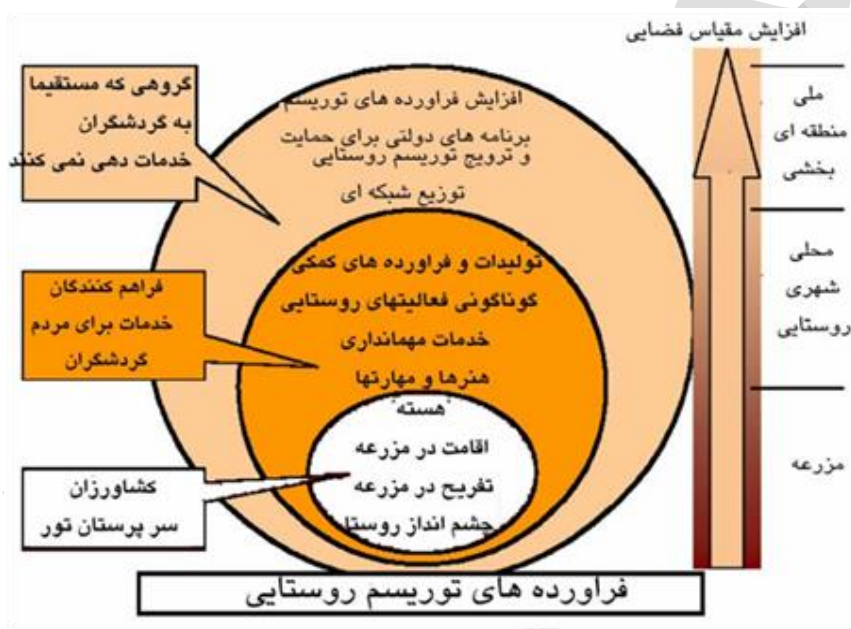
جدول ۱. انواع ظرفیت‌های گردشگری روستایی

گردشگری کشاورزی	گردشگران بدون ایجاد پیامد منفی بر روی اکوسیستم با فعالیت‌های سنتی کشاورزی در تعامل یا مشارکت هستند.
گردشگری سبز	اشکالی از گردشگری است که بیشتر به انگیزه‌های دوستاری از محیط زیست است تا گردشگری و منافع اقتصادی آن‌بوه گردشگری.

گردشگری غذایی	برگزاری جشنواره‌ها غذایی و برگزاری تورهای غذایی
گردشگری ماجراجویانه	در این نوع گردشگری افراد به صورت شخصی یا گروهی خود را درگیر فعالیت‌های خطرناک و پردردسر می‌کنند؛ مانند شکار حیوانات، صخره نوردی و گاوآزی.
گردشگری فرهنگی	مرتبط با فرهنگ، تاریخ و میراث فرهنگی و باستانی مردم روستایی.
اکوتوریسم	علاوه بر تعامل با جاذبه‌های طبیعی با زندگی و هنجارهای اجتماعی مردم محلی در ارتباط می‌باشد.
گردشگری روستایی	در این نوع گردشگری، گردشگران در خانوارهای روستا زندگی می‌کنند و در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت دارند.

منبع: (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶)

از آن جا که اصطلاح گردشگری روستایی، حوزه‌هایی مانند گردشگری کشاورزی و گردشگری حومه و فرهنگی را نیز، در بر می‌گیرد با مفاهیمی مانند بوم زیست‌ها، توریسم سبز و توریسم طبیعت، ارتباط معنایی پیدا می‌کند. فعالیت‌های تفریحی گردشگری روستایی، شامل اقامت در منازل گردشگری روستایی شامل کمپ روستایی، گشت گذار در مناطق حیات وحش، بازاریابی صنایع دستی روستایی، جشنواره‌های فرهنگی، ورزش‌های ماجراجویانه، بازدید اماکن تاریخی و مذهبی، جشنواره موسیقی و آواز محلی و هر فعالیت تفریحی معطوف به نواحی روستایی می‌شود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۲).



شکل ۲: فراورده های توریسم روستایی، منبع: (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵).

گردشگری حامی فقرا

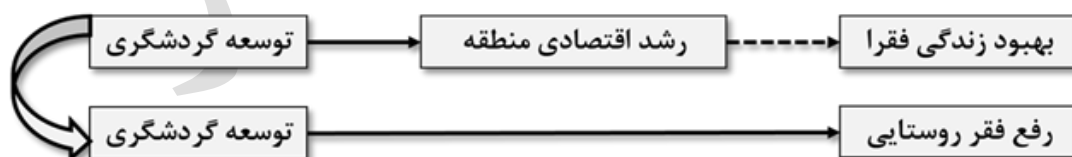
اولین و مهمترین هدف در بیانیه توسط پایدار سازمان ملل ((پایان دادن به فقر در همه و در همه اشکال آن است)) برای رسیدن به این هدف نیز، کشورهای مختلف، تلاش‌های زیادی را انجام داده‌اند تا بتوانند با بهبود شرایط و کیفیت زندگی از وضعیت فقر خارج شوند. (Yong-qing, 2021: 943). حل موضوع فقر و استراتژی‌های رفع آن از دهه ۱۹۷۰ در مطالعات جغرافیایی مورد توجه واقع گردید (Kaag et al, 2012: 1) چرا که سیاست‌های مهم توسعه روستایی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که متکی بر انقلاب سبز و گسترش فناوری در نواحی روستایی بود عمدتاً منافع آن متوجه ثروتمندان شد و فقرای روستایی بیش از پیش مورد بی‌توجهی قرار گرفتند (Carney, 2012: 2). با توجه به وابستگی شدید روستاییان به فعالیت‌های کشاورزی سنتی به ویژه در کشورهای در حال توسعه و منزوی شدن و در حاشیه قرار گرفتن روستاها به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که موجب قرار گرفتن بیشترین جمعیت فقرای جهان در نواحی روستایی گردیده و فقر موجب افزایش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها می‌گردد، بنابراین معیشت روستاییان فقیر،

دارای بیشترین آسیب‌پذیری از بحران‌ها خواهد بود (Moghim and Garna,2019:344;IFAD,2010:1؛ Wilson,2009:1).

علاقه به توسعه گردشگری، به عنوان یکی از بزرگترین عرصه‌های فعالیتی جهان در حال حاضر در بسیاری از کشورها در حال رشد قابل توجه است (Ashley,2000:2). روند رشد تقاضای گردشگری در سال‌های اخیر با تقاضای گردشگران برای بازدید از مکان‌های پرتعداد جهت لمس اصالت، کشف فرهنگ‌ها و سنت‌های محلی بوده است. امروزه گردشگران به گردشگرانی خبره و به ویژه خواستار تازگی، اصالت مناطق و داشتن یک تجربه منحصر به فرد گرایش یافته‌اند؛ به همین دلیل مناطق روستایی و ناشناخته، می‌توانند به بازارهای پایدار گردشگری مبدل گردند. (Miko and Nikola,2013:12).

طرفداران گردشگری حامی فقرا، استدلال می‌کنند که اگرچه گردشگری صنعتی است که عمدتاً توسط منافع اقتصادی هدایت می‌شود، اما به دلیل ویژگی‌های خاص خود، پتانسیل بیشتری برای کاهش فقر نسبت به سایر بخش‌ها دارد. اولاً، گردشگری یک صنعت متنوع است که زمینه را برای مشارکت گسترده از جمله از طریق بخش غیررسمی فراهم می‌کند. دوم، مشتری به محصول می‌آید و فرصت‌هایی برای پیوند ایجاد می‌کند (مثلاً فروش سوغات). سوم، گردشگری وابسته به منابعی است که ممکن است برخی از آنها متعلق به افراد فقیر باشد. چهارم، گردشگری نیروی کار است و می‌تواند برای بسیاری از مردم اشتغال ایجاد کند. در نهایت، در مقایسه با سایر بخش‌ها، نسبت بیشتری از مزایای گردشگری نصیب زنان می‌شود (Harrison and Schipani,2007:195). طرفداران این رویکرد؛ سه مسیر اصلی را پیشنهاد می‌کنند که از طریق آنها گردشگری می‌تواند به کاهش فقر کمک کند. اولین مورد شامل اثرات مستقیم گردشگری است که شامل درآمد نیروی کار و سایر اشکال درآمد (به عنوان مثال فروش صنایع دستی) می‌شود. مسیر دوم مربوط به اثرات ثانویه است که درآمدهای غیرمستقیم از فعالیت‌های گردشگری و اثرات ناشی از کارگران گردشگری را که درآمد خود را در اقتصاد محلی خرج می‌کنند، پوشش می‌دهد. مسیر سوم شامل تغییرات بلندمدت در اقتصاد کلان ناشی از رشد گردشگری است (Hall and Harrison and Schipani,2007:195؛ Lew,2009:24).

تلاقی گردشگری و فقر، که قبلاً دو حوزه مجزا بودند، منعکس‌کننده یک تغییر اساسی در فلسفه توسعه گردشگری و کاهش فقر است که در شکل ۳ نشان داده شده است. این تغییر پارادایم بدین ترتیب است که رشد اقتصادی منطقه‌ای عمدتاً به عنوان هدف اصلی توسعه گردشگری محلی تعیین می‌شود در حالی که فقرزدایی به عنوان یک هدف فرعی یا یک نتیجه طبیعی رشد اقتصادی منطقه در نظر گرفته می‌شود. باور رایج این بود که زمانی که منطقه ثروتمندتر شود، منافع حاصل از رشد اقتصادی در نهایت از طریق کانال‌های متعددی، مانند اشتغال، رفاه عمومی و شبکه خانواده به فقرای محلی می‌رسد و نشت پیدا می‌کند^۱. بنابراین فقرا، نه در مرکز و هسته توجه بلکه به صورت غیرمستقیم و اندک از منابع گردشگری برخوردار می‌شدند و آن هم، صرفاً منافع اقتصادی و اثرگذاری‌های اجتماعی و فرهنگی (Zhao and Ritchie,2007:121).



¹ trickle down

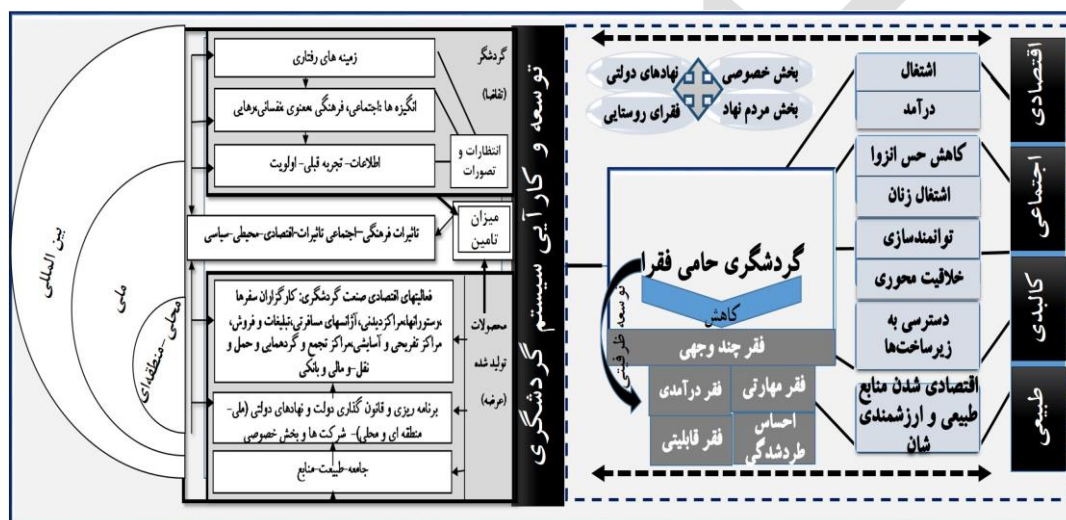
شکل ۳: تغییر فلسفه توسعه گردشگری از رشد اقتصادی به رشد حامی فقرا، منبع: (Zhao and Ritchie, 2007: 121).

شاخص‌های گردشگری فقرا محور به طور گسترده در تحقیقات و سیاست‌گذاری‌ها تعریف شده‌اند و هدف آن‌ها اندازه‌گیری تأثیرات گردشگری بر کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی جوامع محلی است. این شاخص‌ها شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی هستند و به طور جامع به ارزیابی مشارکت فقرا در منافع گردشگری می‌پردازند (Ashley & Roe, 2002: 10). برخی از این شاخص‌ها و تعاریف در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲. تعاریف شاخصهای گردشگری حامی فقرا

شاخص	متغیر	تعریف	منبع
اقتصادی	درآمدزایی مستقیم برای فقرا	این شاخص میزان درآمدی را اندازه‌گیری می‌کند که مستقیماً به جوامع فقیر از طریق مشاغل مرتبط با گردشگری (مانند راهنمایان تور، فروشندگان صنایع دستی، و خدمات اقامتی) تعلق می‌گیرد	Ashley, Boyd, & (Goodwin, 2000 : 3)
	ایجاد فرصت‌های شغلی	تعداد مشاغل ایجاد شده برای افراد فقیر در بخش گردشگری، به ویژه در مناطق روستایی و محروم، یکی از شاخص‌های کلیدی است	Scheyvens, (2007:235)
	شاخص فقر چندبعدی (MPI):	این شاخص ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به طور جامع وضعیت فقر را در جوامع محلی اندازه‌گیری می‌کند. MPI می‌تواند برای ارزیابی تأثیرات گردشگری بر کاهش فقر استفاده شود	Alkire & Santos, (2010:15)
	پایداری درآمدی	این شاخص بررسی می‌کند که آیا درآمد حاصل از گردشگری برای جوامع فقیر پایدار است یا خیر. به عبارت دیگر، آیا این درآمد می‌تواند در بلندمدت ادامه یابد	Scheyvens, (2007:245)
اجتماعی - فرهنگی	دسترسی به خدمات پایه	گردشگری فقرا محور می‌تواند دسترسی جوامع فقیر به خدمات بهداشتی، آموزشی و زیرساخت‌ها را بهبود بخشد. این شاخص میزان بهبود دسترسی به این خدمات را اندازه‌گیری می‌کند	(Goodwin, 2006:12)
	توانمندسازی جوامع محلی	مشارکت فعال جوامع فقیر در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با گردشگری و مدیریت منابع محلی از جمله شاخص‌های اجتماعی مهم است	Scheyvens, (2007:240)
	حفظ و تقویت فرهنگ محلی	گردشگری فقرا محور باید به حفظ و تقویت فرهنگ‌های محلی کمک کند. این شاخص میزان مشارکت جوامع محلی در فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با گردشگری را اندازه‌گیری می‌کند	(Goodwin, 2006: 15)
	مشارکت فقرا در زنجیره ارزش گردشگری	این شاخص میزان مشارکت فقرا در زنجیره ارزش گردشگری، از تولید محصولات محلی تا ارائه خدمات به گردشگران، را اندازه‌گیری می‌کند	Ashley, Boyd, & (Goodwin, 2000:5)
طبیعی - محیطی	حفظ محیط زیست	گردشگری فقرا محور باید به گونه‌ای طراحی شود که به محیط زیست آسیب نرساند و حتی به حفظ آن کمک کند. این شاخص میزان تأثیرات مثبت یا منفی گردشگری بر محیط زیست را ارزیابی می‌کند	Ashley & Roe, 2002: (8)
کالبدی	دسترسی به زیرساخت‌های گردشگری	این متغیر به میزان دسترسی جوامع محلی و گردشگران به زیرساخت‌های اساسی مانند جاده‌ها، حمل‌ونقل عمومی، امکانات اقامتی و خدمات بهداشتی اشاره دارد. بهبود این زیرساخت‌ها مشارکت فقرا در فعالیت‌های گردشگری را افزایش می‌دهد و به کاهش فقر کمک می‌کند.	(محمدی و حسینی، ۱۴۰۰: ۱۲)
	توسعه امکانات اقامتی و پذیرایی	این متغیر به ایجاد و بهبود امکانات اقامتی (مانند هتل‌ها و مهمان‌خانه‌ها) و پذیرایی (مانند رستوران‌ها و کافه‌ها) اشاره دارد. این امکانات باید با توجه به ظرفیت‌های محلی و نیازهای گردشگران طراحی شوند تا از نظر اقتصادی و زیست‌محیطی پایدار باشند	سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۲۱: ۳۴
	ایجاد بازارهای محلی و فروش محصولات	این متغیر شامل ایجاد بازارهای محلی برای فروش محصولات دست‌ساز و سنتی است. این بازارها نه تنها به گردشگران امکان خرید سوغاتی‌های محلی را می‌دهند، بلکه به حفظ فرهنگ و هنرهای سنتی نیز کمک می‌کنند.	(محمدی و حسینی، ۱۴۰۰: ۴۵)

در جمع‌بندی مبانی نظری می‌توان گفت که توسعه گردشگری حامی فقرا به عنوان عاملی در کاهش فقر روستایی با توجه به چندبعدی بودن فقر از یک سو و از سویی دیگر، سازه‌ای بودن و چندبعدی بودن مدیریت فعالیت‌های گردشگری وابسته به ارتباطات متقابل و مکمل اجزا و عناصر مختلفی است. به بیانی دیگر، صحنه‌ای است با بازیگران و ذی‌نفعان متعدد از عرصه محلی تا عرصه فراملی. هم، عوامل درونی وابسته مقصد در توسعه و ایجاد آن موثر است و هم، عوامل بیرونی خارج از مقصد. گردشگری به عنوان یک سیستم باز، زمانی می‌تواند به عنوان یک فعالیت اقتصادی قابل اتکا برای رفع فقر روستایی عمل نماید که تمامی اجزا و عناصر آن مبتنی بر دید زنجیره‌ای در یک مجموعه متعادل از لحاظ کمی و کیفی ساماندهی و سازماندهی گردیده باشند. در واقع در وهله اول، بایستی یک فعالیت گردشگری پایدار در مقصد شکل بگیرد و سپس در این فضای مناسب توسعه‌ای بتوان اصول گردشگری حامی فقرا را پیاده‌سازی کرد. همچنین، نبایستی در توسعه فعالیت‌های گردشگری و منفعت‌بری فقرا تنها بر بعد اقتصادی و درآمدی آنها تکیه کرد و بایستی در توسعه گردشگری که می‌خواهیم منفعت محور بوده و فقرای روستایی از آن منتفع گردند، به نحوی به ورود فقرا کمک کنیم که به توانمندسازی آنها و توسعه ظرفیتی‌شان، ختم گردد. تنها در این صورت خواهد بود که توسعه گردشگری، می‌تواند به حامی فقرا و از بین برنده فقر روستایی بدل گردد. (شکل ۴)



شکل ۴. چارچوب مفهومی پژوهش، منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است. به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی، می‌باشد. متناسب با روش پیمایشی به عنوان روش اصلی گردآوری داده‌ها، ابزارهای بکارگرفته شده، مشتمل بر مصاحبه، مشاهده و تدوین و توزیع پرسشنامه، هستند. در این راستا نیز در ابتدا به منظور سنجش وضعیت اثرگذاری توسعه گردشگری بر معیشت، سکونت و کار و فعالیت فقرای روستایی؛ پرسشنامه‌ای در طیف پنج‌گانه لیکرت (۱-خیلی کم.....۵-خیلی زیاد) در ارتباط با تغییرات سطح متغیرهای مورد سنجش در میان مردم محلی توزیع گردید. همچنین؛ به منظور تبیین یافته‌های حاصله و چرایی نتایج شکل گرفته مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با جامعه محلی صورت گرفت. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، سعی بر این مطلب بوده که در عرصه میدانی برای تمامی چرایی‌های وضع موجود، چگونگی و تبیین متناسب؛ ارائه گردد. ماهیت اصلی پژوهش حاضر، کمی است، هرچند که دیدگاه کیفی نیز به عنوان ماهیت فرعی پژوهش در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها و در راستای یافتن مهمترین، راهبردهای فقرای منطقه جهت منفعت‌بری از اثرات گردشگری مد نظر بوده است.

جامعه آماری پژوهش بر حسب اهداف مورد نظر و نیاز به گردآوری داده‌ها، مشتمل بر روستاهای بلافصل و پیرامون تالاب زریوار می‌باشد که مشتمل بر روستاهای نی، کانی سفید، ینگجه، کولان، سیف سفلی، دره تفی، کانی سانان و پیرصفا می‌باشند. با توجه به تعداد جمعیت کل این روستاها (۶۴۹۱ نفر) جهت مشخص نمودن حجم نمونه از فرمول کوکران^۱ استفاده و حجم نمونه آماری پژوهش برابر ۳۶۳ خانوار محاسبه گردید. در ادامه با بهره‌گیری از روش طبقه‌ای^۲، سهم هر روستا متناسب با جمعیت آنها از تعداد کل ۳۶۳ پرسشنامه توزیعی، مشخص گردیده و پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی ساده در میان سرپرستان خانوار در روستاهای مشخص شده، توزیع گردید.

جدول ۳. توزیع طبقه‌ای پرسشنامه‌ها

روستاها	جمعیت	سهم از تعداد کل پرسشنامه‌ها
سیف سفلی	527	۲۹
کانی سفید	310	۱۸
ینگجه	347	۲۱
دره تفی	938	۵۲
کولان	740	۴۲
کانی سانان	640	۳۷
نی	2691	۱۴۷
پیرصفا	298	۱۷
مجموع	۶۴۹۱	۳۶۳

با توجه به جامع بودن و چندوجهی بودن سازه گردشگری حامی فقرا و مبتنی بر دید جامع پژوهش، دربرگیرنده بازیگران متعدد اثرگذار بر تامین آن در سطح منطقه بوده و با توجه به گستردگی نقاط روستایی، عدم توان دسترسی به تمامی روستاها و فقدان آمارهای متقن به روز در ارتباط با شاخص‌های توسعه‌ای و نیز، کیفی بودن بسیاری از شاخص‌های سنجش وضعیت گردشگری حامی فقرا، نیاز پژوهش به انتخاب افراد آگاه به مفهوم گردشگری منفعت محور حامی فقرا و شرایط توسعه‌ای منطقه مورد مطالعه بود و بر این اساس نیز، اقدام به تشکیل تیم دلفی و متخصصان، گردید. در راستای تشکیل تیم دلفی، مشتمل بر افراد آگاه به شرایط میدانی روستاها؛ به روش هدفمند و به شیوه گلوله برفی به شناخت گروه مسئولین پرداخته شد. جهت تعیین و انتخاب افراد مورد نظر، ملاک‌هایی مانند مسئولیت داشتن افراد به مدت ۳ سال به بالا در عرصه مدیریتی؛ آگاه به شرایط منطقه و داشتن بنیه علمی مناسب در ارتباط با توسعه روستایی و یا حوزه تخصصی خود در عرصه توسعه روستاهای شهرستان مدنظر، قرارگرفتند. بر این اساس؛ فرمانداری شهرستان، بخشداری بخش مرکزی،

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{(d)^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{(d)^2} - 1 \right)}$$

p = احتمال وجود صفت به درصد ۰/۷۰

q = احتمال عدم وجود صفت به درصد ۰/۳۰

d = خطای نمونه‌گیری یا سطح احتمالی مورد نظر درجه اطمینان (۰/۰۵)

t = درصد احتمال صحت گفتار که برابر با ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است.

$$^2 \text{ تعداد کل پرسشنامه } n \times \frac{\text{تعداد کل خانوار روستا}}{\text{تعداد کل خانوارها}} = \text{نسبت حجم نمونه (نمونه گیری منطبق)}$$

جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، منابع طبیعی، محیط‌زیست، میراث فرهنگی و گردشگری، تعاون روستایی؛ به واسطه تعیین کننده بودن نقش‌های آنها در عرصه توسعه روستایی شهرستان؛ به عنوان ارگان‌های هدف تعیین و با مراجعه به این ارگان‌ها، افرادی با ویژگی‌های ذکر شده، انتخاب گردیدند. مشخصات این افراد در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. اعضای گروه مشارکت کننده در تکنیک دلفی پژوهش حاضر

ردیف	تخصص	درجه تحصیلی / مسئولیت	تعداد	جنسیت
۱	جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی	دکترای تخصصی (دانشیار دانشگاه پیام نور شهرستان)	۲ نفر	مرد
۲	جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی	دکترای تخصصی (استادیار دانشگاه)	۱ نفر	مرد
۳	جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی	دکترای تخصصی (پژوهشگر حوزه توسعه روستایی شهرستان)	۱ نفر	مرد
۴	مدیریت-کارآفرینی	دکترای تخصصی (مشاور اجرایی طرح توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی شهرستان مریوان)	۳ نفر	مرد
۵	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	دکترای تخصصی (مشاور اجرایی طرح توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی شهرستان مریوان)	۱ نفر	مرد
۶	اقتصاد کشاورزی	دکترای تخصصی (کارشناس طرح توسعه منظومه روستایی شهرستان- پژوهشگر حوزه توسعه روستایی و کشاورزی منطقه)	۳ نفر	مرد
۷	ترویج و آموزش کشاورزی پایدار	دکترای تخصصی (مشاور اجرایی طرح توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی شهرستان مریوان- پژوهشگر حوزه توسعه روستایی و کشاورزی منطقه)	۲ نفر	زن
۸	جامعه شناسی توسعه	دکترای تخصصی (آموزش و پرورش- مشاور اجرایی طرح توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی شهرستان مریوان)	۲ نفر	مرد
۹	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	لیسانس (دهیار) منتخب دهیاران بخش سرشیو	۳ نفر	مرد
۱۰	مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی	لیسانس (دهیار) منتخب دهیاران بخش خاوومیرآباد	۲ نفر	زن
۱۱	کشاورزی (زراعت و اصلاح نباتات)	دکترای تخصصی (دهیار) منتخب دهیاران بخش مرکزی	۱ نفر	زن
۱۲	برنامه‌ریزی گردشگری	کارشناسی ارشد (اداره میراث فرهنگی و گردشگری)	۳ نفر	مرد
۱۳	مهندسی محیط زیست	دکترای تخصصی (اداره محیط زیست)	۲ نفر	مرد
۱۴	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	کارشناسی ارشد (بخشداری بخش خاوومیرآباد)	۱ نفر	زن
۱۵	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	کارشناسی ارشد (بخشداری بخش سرشیو)	۲ نفر	مرد
۱۶	مدیریت دولتی	کارشناسی ارشد (بخشداری بخش مرکزی)	۲ نفر	مرد
۱۷	مهندسی محیط زیست	(کارشناسی منابع طبیعی) دکترای تخصصی (اداره محیط زیست)	۱ نفر	زن
۱۸	مهندسی معماری	کارشناسی ارشد (بنیاد مسکن- کارشناس طرح توسعه پایدار منظومه روستایی شهرستان مریوان)	۲ نفر	زن
۱۹	مدیریت مرزی	لیسانس (مرزبانی شهرستان)	۲ نفر	مرد
۲۰	جغرافیا و برنامه ریزی روستایی	دکترای تخصصی (انجمن مردم نهاد زیست محیطی چیا- کارشناس طرح توسعه منظومه روستایی شهرستان)	۱ نفر	مرد
۲۱	جامعه شناسی- رفاه اجتماعی	کارشناسی ارشد (اداره تعاون روستایی)	۲ نفر	مرد
۲۲	کشاورزی (علوم دامی)	دانشجوی دکتر (جهاد کشاورزی)	۱ نفر	مرد

در ادامه؛ نیاز بود که نحوه ارتباط‌گیری با اعضای نامبرده؛ مشخص شود اما به دلیل دشواری‌های ارتباط مستقیم، روش غیرمستقیم و بهره‌گیری از پست الکترونیک جهت ارسال پرسشنامه و دریافت بازخوردها، تعیین گردید. لازم به ذکر است که به هریک از این افراد، توضیحات مورد نیاز در ارتباط با پژوهش و اهداف آن، روش کار، اهمیت نظرات و دیدگاه‌های آنها در جهت گیری پژوهش، ارائه گردید و آنها، توجیه گردیدند.

پس از اتمام مرحله اول پژوهش که مبتنی بر شناسایی عوامل تاثیر گذار بر گردشگری منفعت محور حامی فقرا در نواحی روستایی، بود که به دنبال انجام مصاحبه‌های هدفمند با گروه دلفی پژوهش و تحقق اصل اشباع نظری صورت پذیرفت؛ مصاحبه‌ها با تکنیک کدگذاری باز^۱، تجزیه و تحلیل گردیده و پس از شناسایی اثرات گردشگری منفعت محور حامی فقرا در نواحی روستایی مورد مطالعه، پرسشنامه‌ای در طیف پنجگانه لیکرت، دربرگیرنده این اثرات جهت تایید و تعمیم و خلاصه‌سازی، تدوین و در اختیار افراد متخصص نامبرده شده، قرار گرفت.

در رابطه با شاخصهای پژوهش، شاخص‌ها و متغیرهایی که اثرگذاری گردشگری بر هر کدام از آنها می‌تواند در تغییر وضعیت فقرا چه از جنبه‌های عینی و چه؛ جنبه‌های ذهنی و در سطح فردی و اجتماعی اثرگذار باشد، مورد بررسی قرار گرفته است. (جدول ۵)

جدول ۵: شاخص و متغیرهای سنجش گردشگری حامی فقرا و منفعت محور روستایی

متغیر	شاخص‌ها
اجتماعی	درصد افرادی که در طول ۵ سال گذشته شغل یا درآمد خود را بهبود بخشیده‌اند، میزان دسترسی به فرصت‌های آموزشی و شغلی جدید، تعداد افراد دارای مهارت‌های جدید، درصد افرادی که خود را فقیر می‌دانند، درصد افرادی که معتقدند امکان بهبود شرایط مالی خود را ندارند، میزان دسترسی به خدمات حمایتی (کمک‌های دولتی یا خیریه)، ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمدی)، درصد دسترسی برابر به امکانات آموزشی و بهداشتی، تعداد پروژه‌های توسعه‌ای اجرا شده در روستا، درصد افرادی که خود را توانمند می‌دانند، تعداد افراد دارای کسب‌وکارهای کوچک یا خوداشتغالی، درصد خانوارهای دارای دسترسی به آب آشامیدنی سالم، درصد خانوارهای دارای سرویس بهداشتی مناسب، میزان دسترسی به وسایل بهداشتی اولیه، میانگین تعداد وعده‌های پروتئینی مصرف شده در هفته، درصد خانوارهایی که حداقل ۳ وعده پروتئینی در هفته مصرف می‌کنند، درصد افرادی که از وضعیت تغذیه خود رضایت دارند، درصد کودکان دچار سوءتغذیه، درصد افرادی که از زندگی خود رضایت دارند، درصد افرادی که به آینده امیدوارند، میزان مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی، درصد افراد دارای شغل دائمی، میانگین درآمد ماهانه خانوار، درصد افراد دارای بیمه شغلی، درصد کشاورزی که محصولات خود را به صورت تضمینی فروخته‌اند، تعداد حوادث طبیعی یا انسانی که روستا را تحت تأثیر قرار داده‌اند، درصد خانوارهای دارای بیمه محصولات کشاورزی، درصد خانوارهایی که پس از بحران، درآمد خود را بازیابی کرده‌اند، درصد افراد شرکت‌کننده در جلسات شورای روستا، تعداد طرح‌های پیشنهادی توسط روستاییان که اجرا شده‌اند، تعداد تعاونی‌ها یا گروه‌های اقتصادی فعال در روستا، درصد افراد مشارکت‌کننده در فعالیتهای اقتصادی مشترک، درصد افراد مشارکت‌کننده در فعالیتهای خیریه، تعداد کسب‌وکارهای نوپا در روستا، درصد خانوارهایی که از کسب‌وکارهای جوانان حمایت مالی یا معنوی کرده‌اند، درصد افراد دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم، درصد زنان باسواد در روستا، تعداد زنان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی، تعداد مدارس و مراکز آموزشی در روستا، درصد کودکان ثبت‌نام‌شده در مدارس، درصد خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت، تعداد افراد استفاده‌کننده از فناوری‌های جدید، تعداد افراد مهاجرت کرده از روستا در سال گذشته، درصد مهاجرت‌های ناشی از فقر یا بیکاری.
اقتصادی	تعداد کسب‌وکارهای جدید راه‌اندازی‌شده در سال گذشته، میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در کسب‌وکارهای جدید، درصد افراد دارای ایده‌های کسب‌وکاری که توانسته‌اند آن‌ها را اجرایی کنند. میانگین درآمد ماهانه خانوار. درصد خانوارهایی که درآمدشان بالاتر از خط فقر است. درصد درآمد حاصل از فعالیتهای غیرکشاورزی. درصد خانوارهایی که می‌توانند هزینه‌های اولیه (خوراک، مسکن، بهداشت) را تأمین کنند. درصد خانوارهایی که پس‌انداز ماهانه دارند. تعداد مشاغل جدید ایجادشده در سال گذشته. درصد افراد دارای مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار. میزان درآمد سالانه دهیاری از منابع مختلف، درصد درآمد دهیاری که صرف توسعه روستا می‌شود. میانگین پس‌انداز ماهانه خانوار. درصد خانوارهایی که دارای حساب پس‌انداز هستند. تعداد وام‌های دریافت‌شده توسط خانوارها در سال گذشته. درصد وام‌هایی که به موقع بازپرداخت شده‌اند. درصد درآمدی که در روستا سرمایه‌گذاری می‌شود. تعداد پروژه‌های توسعه‌ای که با سرمایه‌گذاری محلی اجرا شده‌اند، درصد افراد دارای مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای، تعداد دوره‌های آموزشی مهارت‌محور برگزارشده در سال گذشته، تعداد مهارت‌های مختلف موجود در روستا، درصد افراد دارای بیش از یک مهارت شغلی، درصد محصولاتی که به بازارهای خارج از روستا فروخته می‌شوند، تعداد شبکه‌های توزیع و فروش ایجادشده، تعداد ایده‌های نوآورانه اجراشده در سال گذشته، درصد افراد دارای روحیه کارآفرینی، درصد زنان شاغل در روستا، تعداد مشاغل ایجادشده ویژه زنان، درصد افرادی که در ۵ سال گذشته ارتقای شغلی داشته‌اند، میزان افزایش درآمد ناشی از ارتقای شغلی.
کالبدی -	درصد خانوارهای دارای دسترسی به آب آشامیدنی سالم، درصد خانوارهای دارای دسترسی به برق، درصد خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت، تعداد

در مرحله کدگذاری باز، جملات به عنوان واحد مطالعه انتخاب می‌شوند. بعد از آن عبارات کلیدی که پیام اصلی جملات هستند، استخراج می‌گردند. در ادامه نیز، برجسته‌های مفهومی مناسبی به عبارت و نکات کلیدی استخراج شده با توجه به اشتراک و شباهت آنها اختصاص داده می‌شود. این مرحله یک فرآیند تفسیری و مقایسه‌ای است. در این مرحله داده‌ها تجزیه‌شده و به منظور رسیدن به یک مفهوم جدید ترکیب می‌شوند. منظور از تجزیه این است که به هر یک از رخدادها و ایده‌های مهم (عبارات کلیدی) موجود در داده‌های مصاحبه نامی را اختصاص می‌دهیم. این نام یا کد به جای آن رخداد یا ایده می‌نشیند. در واقع، کدها؛ عباراتی کوتاه هستند که دغدغه و تاکید مصاحبه شونده بر نکته‌ای خاص را شامل می‌شوند.

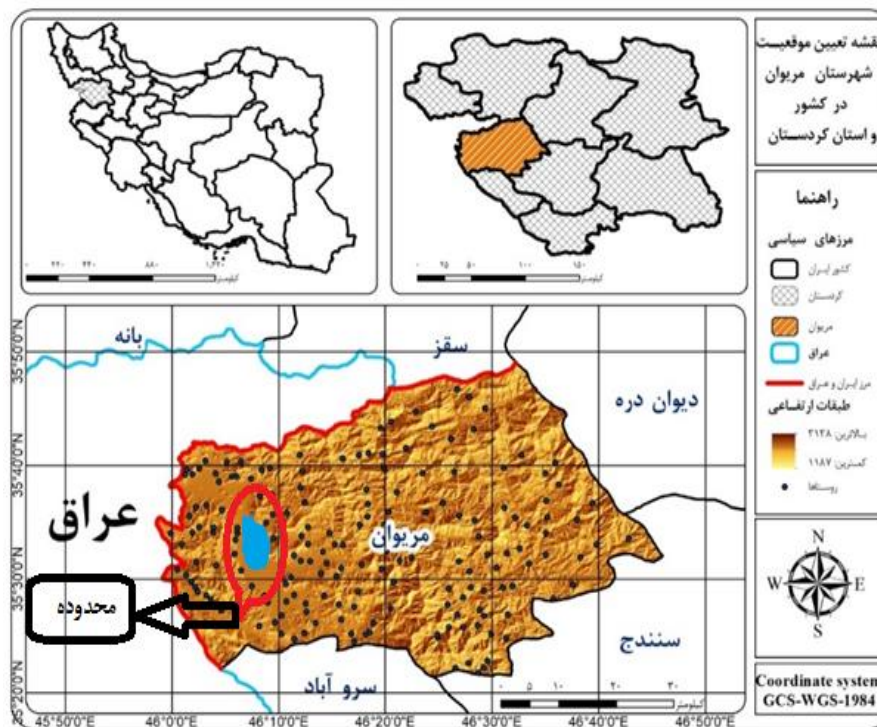
فضایی	مراکز بهداشتی و درمانی در روستا، تعداد مدارس و مراکز آموزشی در روستا، کیفیت جاده‌های دسترسی به روستا، تعداد ارتباطات اقتصادی با شهرها یا روستاهای دیگر (قراردادهای فروش محصولات)، درصد افراد مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اجتماعی خارج از روستا، تعداد پروژه‌های مشترک با سایر مناطق، درصد خانوارهای دارای مسکن شخصی، درصد خانوارهای اجاره‌نشین یا ساکن در مسکن استیجاری، میانگین مساحت مسکن در روستا (بر حسب متر مربع)، درصد مسکن دارای استحکام مناسب (بر اساس استانداردهای ساختمانی)، درصد مسکن دارای سیستم گرمایشی و سرمایشی مناسب، درصد مسکنی که علاوه بر سکونت، برای فعالیت‌های اقتصادی (مانند کارگاه‌های کوچک) استفاده می‌شوند، تعداد مسکنی که به عنوان اقامتگاه‌های گردشگری فعالیت می‌کنند، درصد اراضی و مسکنی که در بازار خرید و فروش قرار گرفته‌اند، میانگین ارزش اقتصادی مسکن در روستا، تعداد مسکنی که به عنوان سرمایه‌گذاری خریداری شده‌اند.
طبیعی	تعداد پروژه‌های اجرا شده برای بهره‌برداری از منابع طبیعی بکر (مانند جنگل‌ها، مراتع، یا منابع آب)، میزان درآمد حاصل از بهره‌برداری از این منابع، درصد منابع طبیعی که در سال گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تعداد برنامه‌های حفاظتی اجرا شده در روستا (مانند جنگل‌کاری، احیای مراتع، یا مدیریت منابع آب)، درصد منابع طبیعی که تحت برنامه‌های حفاظتی قرار دارند، تعداد افراد مشارکت‌کننده در برنامه‌های حفاظتی، میزان درآمد حاصل از گردشگری طبیعی در روستا، تعداد مشاغل ایجاد شده مرتبط با منابع طبیعی (مانند گردشگری، صنایع دستی، یا کشاورزی پایدار)، درصد منابع طبیعی که به عنوان دارایی اقتصادی ارزش‌گذاری شده‌اند، تعداد پروژه‌های بهبود چشم‌انداز روستا (مانند ایجاد پارک‌های طبیعی یا احیای بافت تاریخی)، درصد مساحت روستا که تحت برنامه‌های بهبود چشم‌انداز قرار دارد، رضایت ساکنان از زیبایی و کیفیت چشم‌انداز روستا.

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس پیشینه و شرایط میدانی، ۱۴۰۳

به منظور سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش از روایی صوری و محتوایی با تاکید بر توزیع پیش‌آزمون، بهره گرفته شد. بدین ترتیب که با توزیع ۲۰ پرسشنامه به عنوان پیش‌آزمون در میان روستاییان و اخذ دیدگاه اساتید دانشگاه حوزه توسعه روستایی در سطح منطقه، مورد آزمون اولیه قرار گرفته. همچنین، در ارتباط با پایایی نیز، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برابر ۰٫۸۳، نشان از پایایی مناسب و ارتباط درونی پاسخ‌های ارائه شده از سوی پاسخگویان دارد و در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های آماری، آزمون خی دو مبتنی بر جدول توافقی، آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون رگرسیون، تحلیل واریانس یکطرفه و تکنیک کدگذاری باز استفاده شده است و در نهایت در پژوهش حاضر، متغیر مستقل، توسعه گردشگری حامی فقرا می باشد و متغیر وابسته عبارتست از: کار، فعالیت و سکونت فقرا در نواحی روستایی پیرامون تالاب.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان مریوان به مرکزیت شهر مریوان در غرب استان کردستان و در مجاورت خاک عراق واقع شده است. این شهرستان با مساحتی بالغ بر ۲۳۲۶٫۴ کیلومتر مربع به مرکزیت شهر مریوان، دارای ۴ شهر به نام‌های مریوان، کانی دینار، چناره و برده رشه است. همچنین شهرستان مریوان دارای ۳ بخش، ۶ دهستان و ۱۴۹ آبادی دارای سکنه و ۲۵ آبادی خالی از سکنه است. میزان روستانشینی در این شهرستان ۲۲/۵۷ درصد می‌باشد (فرهنگ آبادی‌های ۱۴۰۰ شهرستان مریوان).



شکل ۵. نمایش محدوده مطالعاتی، منبع: (نگارنده، ۱۴۰۳)

یافته‌های پژوهش

از کل حجم نمونه (۳۶۳ نفر) بر حسب میزان سن به ترتیب؛ بیشترین درصد پاسخگویان در طبقات سنی ۴۰-۳۱ با ۴۵,۷ و ۲۰-۳۰ سال با ۲۸,۵ درصد از پاسخگویان، بر حسب میزان تحصیلات به ترتیب؛ بیشترین درصد پاسخگویان در سطح تحصیلی راهنمایی با ۳۹,۷ درصد و دبیرستان (دیپلم) با ۲۰,۶ درصد از پاسخگویان، بر حسب جنس؛ بیشترین درصد پاسخگویان را گروه مردان با ۸۷,۱ درصد، دربرمی گیرد و بر حسب وضعیت شغلی به ترتیب؛ بیشترین درصد پاسخگویان مشغول به کشاورزی با ۴۲,۳ و سپس، بیکار بودن با ۲۶,۵ و سپس، مشاغل آزاد با ۲۳,۱ درصد، قرار دارند.

اما در گروه دوم آماری پژوهش، مشتمل بر مسئولین توسعه‌ای منطقه که تعداد ۴۰ نفر از آنها مورد پرسش قرار گرفتند، ویژگی‌های فردی‌شان به شرح جدول زیر، می‌باشد. (۱۸ نفر از ارگان‌های دولتی، ۱۵ نفر از متخصصان علمی و دانشگاهی و آگاهان سطح شهرستان) (به ویژه انجمن‌های مردم نهاد زیست محیطی و سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی در محیط‌های روستایی و کارشناسان طرح های توسعه اقتصادی و اشتغالزایی و توسعه منظومه روستایی در شهرستان مریوان)، ۶ نفر از دهیاران منتخب روستایی، ۲ نفر از آگاهان محلی روستایی).

بررسی سایر ویژگی‌های دموگرافی این گروه در جدول ۶ آورده شده است. همانطور که دیده می‌شود بیشترین درصد پاسخگویان در این گروه در طبقه سنی ۴۰-۵۰ سال قرار گرفته‌اند. همچنین ۴۰ درصد به عنوان بیشترین درصد از پاسخگویان این گروه دارای تحصیلات در سطح دکتری و ۳۵ درصد نیز دارای تحصیلات در سطح فوق لیسانس و بالاتر هستند. ۹۰ درصد از پاسخگویان متأهل و ۷۷/۵ درصد نیز، مرد هستند. به لحاظ شغلی نیز، ۶۵ درصد کارمند، ۱۵ درصد دهیار و ۲۰ درصد نیز دارای مشاغل آزاد دیگر بوده‌اند.

جدول ۶. ویژگی های فردی پاسخگویان در گروه متخصصان و آگاهان محلی

شاخص	طبقات	درصد	فراوانی
سن	۳۰-۲۰	۲۲/۵	۹
	۴۰-۳۰	۲۷/۵	۱۱
	۵۰-۴۰	۳۰	۱۲
	۶۰-۵۰	۱۵	۶
	بیشتر از ۶۰	۵	۲
جنس	مرد	۷۷/۵	۳۱
	زن	۲۲/۵	۹
تاهل	متاهل	۹۰	۹۰
	مجرد	۱۰	۱۰
سطح تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	۵	۲
	لیسانس	۲۰	۸
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۵	۱۴
	دکتری	۴۰	۱۶
نوع شغل	دهیار	۱۵	۶
	کارمند	۶۵	۲۶
	مشاغل آزاد	۲۰	۸

به منظور انجام تحلیل‌های دقیق تر در ارتباط با اثرگذاری گردشگری بر معیشت، کار و فعالیت فقرای روستایی در ابتدا، نیاز است که وضعیت کلی فضای توسعه گردشگری در منطقه و تاثیرگذاری آن از دیدگاه مردم محلی سنجیده شود. بر این اساس، سوال‌های زیر مطرح گردید.

۱. از دیدگاه شما در وضعیت فعلی تا چه حد، گردشگری توانسته است به عنوان محرکی کاراً در زمینه توسعه اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی تمامی اقشار نواحی روستایی منطقه عمل نماید؟

بررسی وضعیت پاسخ‌های ارائه شده نشان می‌دهند که از دیدگاه مردم محلی توسعه گردشگری، نتوانسته به شیوه رضایت‌بخش، موجب توسعه اقتصادی منطقه گردد. میانگین محاسبه شده برابر ۲,۸۵ و مد پاسخ‌های برابر شرایط متوسط، نشان می‌دهد که هرچند توسعه گردشگری در منطقه تاثیراتی در زمینه اقتصادی داشته اما هنوز این تاثیرات به صورت گسترده و همه شمول و رضایت بخش مردم محلی نیست. اما در مقابل در گروه مسئولین، میانگین محاسبه شده برابر مقدار ۳,۶۵ نشان از اعتقاد آنها با اثرات مناسب و رضایت بخش توسعه گردشگری بیش از سطح متوسط در میان مردم محلی و منطقه دارد. این تفاوت فاصله میانگین‌ها، نشان می‌دهد که مسئولین توسعه‌ای منطقه، دیدگاه کمی را از توسعه گردشگری به عنوان اثرگذاری آن پذیرفته و افزایش تعداد گردشگران ورودی را عامل اثرگذاری آن می‌دانند این در حالی است که تنها زمانی می‌توان به توسعه پایدار فعالیت‌های گردشگری در میان جوامع محلی، امیدوار بود که جامعه میزبان منافع حاصل از گردشگری را لمس نموده و گردشگران را پذیرش نماید که رسیدن به این امر هم، در ابتدا؛ در گروه افزایش کمی و کیفی منفعت‌زایی اقتصادی گردشگری برای مردم محلی است.

جدول ۷: توزیع پاسخ‌های دو گروه مردم محلی و مسئولین به وضعیت اثربخشی توسعه گردشگری در منطقه

گروه	فراوانی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
مردم محلی	تعداد	۲۳	۵۱	۹۲	۶۲	۳۱	۲,۸۵
	درصد	۹,۲	۲۰,۴	۳۵,۱	۲۴,۱	۱۱,۱	
مسئولین	تعداد	۱۲	۱۲	۸	۶	۲	۳,۶۵

	۵	۱۵	۲۰	۳۰	۳۰	درصد	
--	---	----	----	----	----	------	--

۲. به چه میزان، توسعه گردشگری را عاملی در تغییر وضع موجود کیفیت زندگی خود در قیاس با وضعیت رضایت بخش، می دانید؟ بررسی وضعیت پاسخ های ارائه شده، نشان می دهد که مردم محلی با توجه به مقدار میانگین نامناسب برابر ۲,۸۶ توسعه گردشگری را عاملی اثربخش در ارتقای سطح کیفیت زندگی خود در سطح رضایت بخش و ایده آل (در آینده)، قلمداد نمی کنند. در واقع، هر چند وضعیت کیفیت زندگی مردم محلی نسبت به قبل از دوره توسعه گردشگری، تغییری نسبی داشته اما این تغییر نسبت به حالت رضایت بخش و ایده آل مردم محلی در راستای تغییر سطح کیفیت زندگی شان در وضعیت کنونی و آینده نمی باشد. این در حالی است که مسئولین، آینده ارتقای سطح کیفیت زندگی مردم محلی را با میانگین مطلوب برابر ۴,۳ ارزیابی کرده اند و بدین ترتیب آنها توسعه گردشگری را عاملی اثربخش در ارتقای سطح کیفیت زندگی ساکنین منطقه می دانند.

جدول ۸. اثرگذاری توسعه گردشگری در تغییر وضع موجود کیفیت زندگی ساکنین در قیاس با وضعیت رضایت بخش

میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گروه های پاسخ دهنده
۲,۹۰	30	64	91	49	25	مردم محلی
	11.5	24.6	35.0	18.8	9.6	مردم محلی (درصد)
۴,۳	0	3	6	18	13	مسئولین
	0	7.5	15	45	32.5	مسئولین (درصد)

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۳

نکته قابل تامل جدای از وضعیت اثرگذاری شکننده توسعه گردشگری بر تغییرات سطح کیفیت زندگی ساکنین روستایی منطقه؛ تفاوت دیدگاهی است میان مردم محلی و مسئولین در ارتباط با اثرگذاری گردشگری وجود دارد. این وضعیت نشان می دهد که وضعیت مدیریت گردشگری منطقه مبتنی بر عینی گرایی، واقع گرایی و ذی نفع محوری نبوده و دیدگاه مدیریت رشدگرا که نمود آن اجرای پروژه های بزرگ مقیاس و حمایت از افشار پردرآمد و سرمایه گذار بخش خصوصی و سرمایه داران درون روستایی است بر مدیریت توسعه گردشگری منطقه مستولی است.

یافته های تحلیلی (سنجش وضعیت اثرگذاری توسعه گردشگری بر وضعیت کار، فعالیت و معیشت فقرا)

تغییرات شاخص اجتماعی

همانگونه که تجزیه و تحلیل پاسخ های ارائه شده از سوی روستائیان در جدول ۹ نشان می دهد در ابتدا با توجه به سطح معنی داری محاسبه شده کمتر از آلفای ۰,۰۰۵ در آزمون خی دو، می توان به دیدگاه هماهنگ و معنی دار روستائیان در ارتباط با وضعیت میانگین های محاسبه شده در ارتباط با تغییرات متغیرهای شاخص اجتماعی زندگی فقرا با توسعه گردشگری در محور تالاب زریوار پی برد. در تمامی متغیرها با استثنای متغیر مهاجرت فقرا، شرایط کیفی محاسبه شده در وضعیت نامناسب و میانگین های محاسبه شده نیز برابر شرایط عددی نامناسب ((۲))، ارزیابی شده است که نشان از شدت نامناسب بودن وضعیت و عدم اثرگذاری مطلوب و رضایت بخش توسعه گردشگری بر تغییرات اجتماعی فقرای روستایی منطقه دارد.

کمترین میانگین های محاسبه شده و نامناسب ترین وضعیت های کیفی به متغیرهای امنیت شغلی (فصلی نبودن) و درآمد، احساس فقر و محرومیت و ناتوانی در تغییر آن، انجام فعالیت های اقتصادی مشترک و مشارکت در تصمیم گیری های روستا اختصاص یافته است. در ابتدا؛ فصلی بودن توسعه گردشگری منطقه و صرف نظر کردن از توسعه گردشگری در تمامی فصول با وجود پتانسیل های بکر انسانی و طبیعی

عاملی مهم در فصلی بودن درآمدهای گردشگری نواحی روستایی تالاب زریوار و اثرگذاری اندک آن در تغییر وضعیت فقرا و جذب پایدار آنها در مشاغل حاصل گردشگری است. همچنین، تداوم نگرش احساس فقر و محرومیت و ناتوانی در تغییر آن در میان فقرای روستایی منطقه، نشان از تسلط تله فقر بر خانوارهای روستایی دارد و می‌توان گفت که فقری چندوجهی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، ذهنی که منجر به فقر قابلیت و احساس ناتوانی و طردشدگی روستاییان گردیده بر شرایط زندگی اجتماعی روستاییان منطقه، مستولی است که شرایط بسیاری دشواری را هم برای پذیرش گردشگران توسط جامعه محلی و توسعه پایدار آن در آینده فراهم خواهد آورد. نکته قابل تامل دیگر، وضعیت نامناسب متغیر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا است که نشان از کنارگذاری و طردشدگی و انزوای اجتماعی روستاییان روستاهای مورد مطالعه دارد. در واقع، فقر اقتصادی به فقر اجتماعی نیز در سطح روستاها دامن‌زده و فقرای روستایی از جریان تحولات اقتصادی و اجتماعی روستاها کنارگذاشته شده‌اند.

تنها متغیری که وضعیت ارزیابی آن در سطح رضایت بخشی بود؛ متغیر مهاجرت فقرا از روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. لازم به ذکر است که هرچند به لحاظ ظاهری این وضعیت رضایت بخش می‌باشد اما این بدین معنی نیست که کنترل مهاجرت در سطح منطقه صورت گرفته بلکه مهاجرت‌های روستایی در سطح منطقه وجود دارد و روستاییانی که دارای وضعیت مالی و توانایی بیشتری هستند به شهر مریوان مهاجرت کرده و یا دارای زمین و مسکن هستند و این فقرای روستایی هستند که به دلیل ضعف بنیان‌های مالی و ناتوانی در اجاره و خرید مسکن و ملک در شهر مریوان، در روستاها ماندگار شده‌اند.

جدول ۹. وضعیت پاسخ‌های ارائه شده به وضعیت تغییرات وضعیت اجتماعی زندگی فقرا روستایی پیرامون تالاب زریوار به دنبال توسعه گردشگری

شاخص	ردیف	متغیرها	میانگین	مد	معنی‌داری	آماره خی دو	وضعیت
اجتماعی	۱	تغییر یا توان تغییر پایگاه اجتماعی	۲,۱۰	۲	۰,۰۰	۷۵,۲	نامناسب
	۲	احساس فقر و محرومیت و ناتوانی در تغییر آن	۲,۰۷	۱	۰,۰۰	۷۸,۱	نامناسب
	۳	رفع نابرابری‌ها اقتصادی و اجتماعی درون روستا	۲,۳۱	۲	۰,۰۰	۶۸,۹	نامناسب
	۴	باور به خود به عنوان یک روستایی توانمند	۲,۴۵	۲	۰,۰۰	۱۶,۸	نامناسب
	۵	امکان تهیه امکانات و وسایل بهداشتی (فردی، خانوادگی)	۲,۲۱	۲	۰,۰۰	۴۳,۰۰	نامناسب
	۶	رضایت از وضعیت تغذیه	۲,۱۵	۱	۰,۰۰	۸۲,۱	نامناسب
	۷	احساس راحتی و آرامش ذهنی (فقرا)	۲,۰۷	۱	۰,۰۰	۶۳,۱	نامناسب
	۸	امید و علاقه به زندگی	۲,۰۹	۲	۰,۰۰	۱۸,۳	نامناسب
	۹	امنیت شغلی (فصلی نبودن) و درآمد	۲,۰۰	۱	۰,۰۰	۱۹,۷	نامناسب
	۱۰	فروش تضمینی محصولات	۲,۶۱	۲	۰,۰۰	۴۸,۳	نامناسب
	۱۱	آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات طبیعی و انسانی	۲,۱۹	۲	۰,۰۰	۷۷,۲	نامناسب
	۱۲	توانایی بازیابی به شرایط عادی با تداوم مخاطرات معیشتی	۲,۱۱	۲	۰,۰۰	۱۹,۱	نامناسب
	۱۳	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا	۲,۰۴	۲	۰,۰۰	۱۴,۸	نامناسب
	۱۴	انجام فعالیت‌های اقتصادی مشترک	۲,۰۲	۱	۰,۰۰	۱۳,۲	نامناسب
	۱۵	مشارکت در امور خیریه	۲,۱۱	۲	۰,۰۰	۱۲,۲	نامناسب
	۱۶	حمایت خانوارها از کسب و کارهای نوپای جوانان	۲,۱۱	۲	۰,۰۰	۲۲,۱	نامناسب
	۱۷	سطح تحصیلات فقرا	۲,۵۱	۲	۰,۰۰	۱۸,۳	نامناسب
	۱۸	باسوادی زنان	۲,۶۷	۲	۰,۰۰	۱۷,۹	نامناسب
	۱۹	امکانات تحصیلی	۲,۱۴	۲	۰,۰۰	۲۵,۶	نامناسب
	۲۰	بهره‌گیری از رسانه‌ها و نوآوری‌های جدید	۲,۳۰	۲	۰,۰۰	۴۱,۳	نامناسب
	۲۱	مهاجرت فقرا (سنجش معکوس)	۳,۷۹	۴	۰,۰۰	۳۳,۷	مناسب

تغییرات شاخص اقتصادی

همانگونه که تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده از سوی روستایان نشان می‌دهد در ابتدا با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از آلفای ۰,۰۰۵ در آزمون خی‌دو، می‌توان به دیدگاه هماهنگ و معنی‌دار روستاییان در ارتباط با وضعیت میانگین‌های محاسبه شده در ارتباط با تغییرات متغیرهای شاخص اقتصادی زندگی فقرا با توسعه گردشگری در محور تالاب زیروار پی‌برد.

در تمامی متغیرها با استثنای متغیرهای درآمدهای دهیاری‌ها و توانایی بازاریابی محصولات تولیدی فقرای روستایی، شرایط کیفی محاسبه شده در وضعیت نامناسب و میانگین‌های محاسبه شده نیز برابر شرایط عددی نامناسب ((۲))، ارزیابی شده‌است که نشان از شدت نامناسب بودن وضعیت و عدم اثرگذاری مطلوب و رضایت بخش توسعه گردشگری بر تغییرات اقتصادی زندگی فقرای روستایی منطقه دارد.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد؛ کمترین میانگین‌های محاسبه شده به متغیرهای میزان پس‌انداز، توان سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب و کار و خلاقیت و کارآفرینی اختصاص یافته‌است. این یافته‌ها، نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در روستاهای منطقه نتوانسته‌است یا به عبارتی مناسب‌تر، مدیریت توسعه‌ای منطقه، نتوانسته با مدیریت صحیح جریان منافع گردشگری منجر گردد که روستاییان به کسب و کارهای عرصه گردشگری ورود پیدا کرده و جذب شوند و از منافع آن بهره ببرند. نکته قابل تامل‌تر، عدم حرکت مقصد گردشگری به سمت کارآفرینی و خلاقیت به عنوان رمز اصلی توسعه پایدار گردشگری و مفت‌زایی پایدار آن برای تمامی اقشار و به فقرای روستایی است که نیاز اصلی آنها برای ورود و ماندگاری در بازار گردشگری منطقه مبتنی بر خلاقیت و نوآوری حاصل از کسب و کارهای و عرصه‌های فعالیتی آنها خواهد بود. عدم خلاقیت‌محوری در این مقصد گردشگری، می‌تواند منجر به ضعف مقصد گردد و رکود گردشگری و کاهش ورود گردشگران را به دنبال داشته باشد و گردشگری را از سید درآمدی خانوارهای و عرصه ای برای فعالیت فقرا حذف نماید.

جدول ۱۰. وضعیت پاسخ‌های ارائه شده به وضعیت تغییرات وضعیت اقتصادی زندگی فقرای روستایی پیرامون تالاب زیروار به دنبال توسعه گردشگری

شاخص	ردیف	متغیرها	میانگین	مد	معنی‌داری	آماره خی دو	وضعیت
اقتصادی	۱	توان سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب و کار	۲,۰۹	۱	۰,۰۰	۸۱,۱	نامناسب
	۲	درآمدهای خانوار	۲,۱۸	۲	۰,۰۰	۶۱,۳	نامناسب
	۳	توان تامین هزینه‌های خانوار	۲,۱۸	۲	۰,۰۰	۴۵,۳	نامناسب
	۴	درآمد دهیاری‌ها	۳,۳۵	۲	۰,۰۰	۲۰,۳	نامناسب
	۵	میزان پس‌انداز	۲,۰۰	۱	۰,۰۰	۳۳,۳	نامناسب
	۶	توانایی دریافت و بازپرداخت وام	۲,۱۷	۲	۰,۰۰	۷۹,۲	نامناسب
	۷	سرمایه‌گذاری مجدد درآمد کسب شده در روستا	۲,۴۱	۲	۰,۰۰	۵۵,۶	نامناسب
	۸	افزایش مهارت و تنوع مهارت‌های شغلی	۲,۱۱	۲	۰,۰۰	۳۳,۳	نامناسب
	۹	توان بازاریابی محصولات	۳,۴۵	۲	۰,۰۰	۹۴,۶	مناسب
	۱۰	خلاقیت و کارآفرینی	۲,۰۲	۱	۰,۰۰	۶۵,۶	نامناسب
	۱۱	اشتغال زنان	۲,۱۷	۲	۰,۰۰	۷۸,۶	نامناسب
	۱۲	ارتقای شغلی و کیفیت ارزش‌افزایی شغلی	۲,۰۵	۱	۰,۰۰	۸۴,۳	نامناسب
	۱۳	کاهش مشاغل کاذب (قاچاق، کولبری و...)	۲,۱۵	۲	۰,۰۰	۶۶,۴	نامناسب

تغییرات شاخص کالبدی-فضایی

همانگونه که تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده از سوی روستایان نشان می‌دهد در ابتدا با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از آلفای ۰,۰۰۵ در آزمون خی‌دو، می‌توان به دیدگاه هماهنگ و معنی‌دار روستاییان در ارتباط با وضعیت میانگین‌های محاسبه شده در ارتباط با تغییرات متغیرهای شاخص کالبدی - فضایی محیط زندگی فقرا با توسعه گردشگری در محور تالاب زریوار پی‌برد.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد و در یک دید کلی مشخص است؛ وضعیت کالبدی و فضایی روستاهای مورد مطالعه در عرصه زیرساخت‌های عمومی و خروج از انزوا و شناخته شده بودن با توسعه گردشگری به نحو چشمگیری، بهبود یافته و این امر هم، خاصیت توسعه فعالیت‌های گردشگری است اما نکته قابل تامل در بررسی دیگر متغیرهای آورده شده که شرایط نامناسب وضعیت ارزیابی آنها نشان از بی‌توجهی مدیران توسعه‌ای منطقه به قشر فقیر روستایی و توزیع عادلانه منافع حاصل گردشگری و نیز بی‌توجهی به رقابتی نمودن این مقصد گردشگری در راستای افزایش فرصت‌های کسب درآمد در روستاها می‌باشد.

در ابتدا؛ لازم به ذکر است که مورد توجه بودن روستاهای پیرامون تالاب زریوار در عرصه گردشگری و تولیدی موجب گردیده تا تامین زیرساخت‌های مورد نیاز نیز توسط نهادهای دولتی برخلاف بسیاری از نواحی روستایی شهرستان مریوان؛ با جدیت بیشتری پیگیری و ایجاد شوند و در نتیجه از لحاظ زیرساخت‌های عمومی، وضعیت نسبتاً رضایت بخشی در منطقه حکمفرما باشد. اما؛ چند نکته کلیدی در ارتباط وضعیت زیرساختی روستاهای پیرامون تالاب، وجود دارد؛ از جمله اینکه؛ روستاییان به کیفیت تامین منابع آب، اعتراضاتی اساسی داشتند. در این ارتباط، روستاییان؛ اظهار می‌داشتند که تامین منابع آب مورد نیاز در بخش مسکونی و حتی؛ کشاورزی روستاهای پیرامون تالاب در قالب سازمان یافته و پایدار، نمی‌باشد و قطعی مکرر آب و کاهش فشار آن در روستاها آزاردهنده می‌باشد و این شرایط، اصلاً؛ در حد یک منطقه هدف توسعه گردشگری؛ نیست. این در حالی است که محور روستاهای پیرامون تالاب از لحاظ دسترسی به آب زیرزمینی دارای وضعیت مطلوبی هستند و این مدیریت نامناسب منابع آب می‌باشد که وضعیت موجود را سبب شده است.

جدول ۱۱. وضعیت پاسخ‌های ارائه شده به وضعیت تغییرات وضعیت کالبدی-فضایی زندگی فقرا روستایی پیرامون تالاب زریوار به دنبال توسعه گردشگری

شاخص	ردیف	متغیرها	میانگین	مد	معنی‌داری	آماره خی دو	وضعیت
کالبدی - فضایی	۱	دسترسی به خدمات و امکانات زیرساختی و رفاهی	۳,۶۲	۳	۰,۰۰	۱۹,۰۵	مناسب
	۲	خروج از انزوای اقتصادی و اجتماعی روستا	۴,۴۴	۵	۰,۰۰	۴۱,۶	بسیار مناسب
	۳	دسترسی به مسکن شخصی (بواسطه گردشگری)	۲,۲۴	۲	۰,۰۰	۳۳,۳	نامناسب
	۴	ارتقای کیفیت مسکن (مساحت، استحکام و..)	۲,۵۵	۲	۰,۰۰	۳۲,۳۶	نامناسب
	۵	چندکارکردی شدن مسکن	۲,۳۳	۲	۰,۰۰	۲۲,۲	نامناسب
	۶	تبدیل شدن اراضی و مسکن به دارایی اقتصادی ارزشمند	۴,۵۵	۵	۰,۰۰	۷۹,۴	بسیار مناسب
	۷	مناسب شدن مکان فعالیت (فعالیت در محدوده مشخص وابسته به فعالیت‌های گردشگری)	۲,۱۴	۲	۰,۰۰	۱۸,۸	نامناسب
	۸	دسترسی به زیرساخت‌های تخصصی حوزه گردشگری	۲,۸۱	۲	۰,۰۰	۶۵,۱	نامناسب

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

تغییرات شاخص طبیعی

محیط طبیعی و منابع آن، مهمترین دارایی و سرمایه‌های روستاییان به ویژه قشر فقیر روستایی، محسوب می‌شوند که وابستگی معیشتی بسیاری به منابع طبیعی، بیش از هر قشر دیگری دارند و تغییرات آن به سرعت در عرصه کیفیت زندگی فقرای روستایی مشاهده خواهد شد. همانگونه که تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده از سوی روستاییان نشان می‌دهد در ابتدا با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از آلفای ۰,۰۵، در آزمون خی دو، می‌توان به دیدگاه هماهنگ و معنی‌دار روستاییان در ارتباط با وضعیت میانگین‌های محاسبه شده در ارتباط با تغییرات متغیرهای شاخص طبیعی محیط زندگی فقرا با توسعه گردشگری در محور تالاب زیروار پی‌برد.

در ابتدا؛ همانگونه که ملاحظه می‌شود در متغیر ارزشمندشدن (اقتصاد محوری) منابع و محیط طبیعی روستا وضعیت به دنبال توسعه گردشگری بسیار مناسب و با میانگین بالا محاسبه و ارزیابی شده و بنابراین، می‌توان پذیرفت که گردشگری به ارزشمندشدن و افزایش جنبه اقتصادی محیط طبیعی منطقه افزوده است. این امر به واسطه تبدیل جاذبه‌های طبیعی به مهمترین کشنده‌های گردشگری منطقه می‌باشد. قدر مسلم، نواحی روستایی که با استقبال گردشگران، روبرو گردند؛ منابع طبیعی و زمین و مسکن آنها به ارزشمندی اقتصادی بالایی خواهد رسید و منبعی برای تاب‌آوری معیشتی آنها می‌گردند. اما با بررسی دیگر متغیرهای مورد بررسی، نکته‌ای قابل تامل، قابل استنباط می‌باشد و آن، این نکته است که با توسعه گردشگری، مطلوبیت چشم‌انداز طبیعی منطقه و پایداری منابع طبیعی به شدت با افت و کاهش مطلوبیت همراه بوده است. این وضعیت به واسطه دیدگاه رشدگرایی مدیریت توسعه گردشگری منطقه، تاکید بر گردشگری توده و منفعت‌زایی حداکثری عده‌ای از سرمایه‌داران می‌باشد و نیز توجه مدیریت به بعد اقتصادی و غفلت از بعد طبیعی و کالبدی که منجر به نابودی منابع طبیعی کشنده گردشگران و از میان رفتن بافت کالبدی و بومی و چشم‌انداز روستایی بکر منطقه گردیده است. این وضعیت به معنی از میان رفتن مهمترین دارایی معیشتی روستاییان فقیر منطقه یعنی؛ منابع طبیعی خواهد بود که به شدت بر میزان فقر معیشتی آنها و تداوم گستره تله فقر در منطقه می‌افزاید و هرچه بیشتر، فقرای روستایی را از دسترسی به فرصت‌های بهبود کیفیت زندگی محروم می‌نماید.

جدول ۱۲. وضعیت پاسخ‌های ارائه شده به وضعیت تغییرات وضعیت طبیعی محیط زندگی فقرا روستایی پیرامون تالاب زیروار به دنبال توسعه گردشگری

شاخص	ردیف	متغیرها	میانگین	مد	معنی‌داری	آماره خی دو	وضعیت
طبیعی	۱	بهره‌گیری از منابع طبیعی بکر و فراموش شده	۲,۷۱	۲	۰,۰۰	۳۳,۳	نامناسب
	۲	حفاظت از منابع طبیعی	۲,۴۲	۲	۰,۰۰	۴۵,۲	نامناسب
	۳	ارزشمندشدن (اقتصاد محوری) منابع و محیط طبیعی روستا	۴,۰۴	۵	۰,۰۰	۲۴,۳	مناسب
	۴	حفظ و بهبود چشم‌انداز روستا مبتنی بر بوم محوری	۲,۶۸	۲	۰,۰۰	۶۷,۱	نامناسب

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

به منظور جمع‌بندی؛ پاسخ‌های ارائه شده از آزمون t نمونه ای بهره گرفته شد. همانطور که یافته‌های حاصله، نشان می‌دهند در شاخص مطلوبیت اقتصادی، اجتماعی و طبیعی میزان اثرگذاری توسعه گردشگری بر بهبود سکونت، فعالیت و معیشتی فقرا در ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی‌شان مناسب و رضایت بخش نبوده و میانگین‌ها در دو بعد اقتصادی و اجتماعی دارای وضعیت بسیار، نامناسب‌تر هستند. در بعد کالبدی نیز که میانگین به صورت نسبی و شکننده‌ای افزایش یافته؛ همانطور که عنوان شد به واسطه بهبود زیرساخت‌های عمومی مبتنی بر وضعیت رفاهی و اقامتی است و بهبود وضعیت زیرساخت‌های کالبدی توسعه گردشگری که بتواند به تنوع بخشی جاذبه، افزایش هزینه‌کرد و مدت اقامت گردشگران و ایجاد فرصت‌های شغلی و منافع بیشتر برای فقرای روستایی بیانجامد، صورت نپذیرفته است. به‌طور کلی، میانگین کل اثرگذاری گردشگری بر بهبود کیفیت زندگی فقرای روستایی (۲,۶۶) در سطح معناداری ۰,۰۵ و با آماره T منفی، نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد که توسعه گردشگری در منطقه مورد مطالعه نتوانسته است به‌عنوان ابزاری مؤثر در

راستای فقرزدایی عمل کند. این یافته‌ها حاکی از آن است که رویکرد فعلی توسعه گردشگری در منطقه، مبتنی بر گردشگری توده‌ای و رشدگرا بوده و نتوانسته است به‌طور نظام‌مند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی فقرای روستایی کمک نماید.

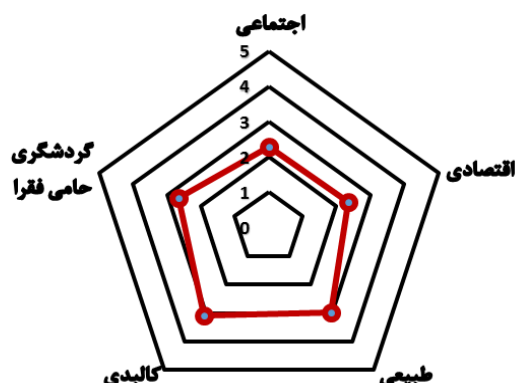
در بعد اجتماعی، میانگین پایین (۲,۲۸) نشان‌دهنده عدم اثرگذاری کافی گردشگری بر بهبود شرایط اجتماعی فقرای روستایی است. این امر ناشی از عدم مشارکت فعال فقرا در فرآیند توسعه گردشگری و نبود برنامه‌های توانمندسازی اجتماعی است. در بعد اقتصادی، میانگین پایین‌تر (۲,۳۳) نشان‌دهنده این است که گردشگری نتوانسته است به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و افزایش درآمد فقرای روستایی کمک کند. این موضوع می‌تواند به دلیل عدم تنوع‌بخشی به فعالیت‌های گردشگری و تمرکز صرف بر زیرساخت‌های عمومی باشد.

در بعد طبیعی، میانگین نزدیک به حد مطلوب (۲,۹۷) نشان‌دهنده این است که اگرچه گردشگری تا حدی به حفظ محیط طبیعی کمک کرده است، اما این بهبود کافی نبوده و نیاز به برنامه‌های حفاظتی جدی‌تر دارد. در بعد کالبدی، میانگین نسبتاً مناسب (۳,۰۸) نشان‌دهنده بهبود نسبی در زیرساخت‌های عمومی است، اما این بهبود نتوانسته است به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و جذب بیشتر گردشگران منجر شود. در نتیجه، می‌توان چنین استنباط کرد که برای تحقق گردشگری حامی فقرا در منطقه، نیاز به تغییر رویکردهای فعلی و اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های هدفمند است که به‌طور ویژه بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی فقرای روستایی متمرکز باشند. این امر مستلزم توجه به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، بهبود دسترسی به منابع مالی، و ارتقای مشارکت جامعه محلی در فرآیند توسعه گردشگری

جدول ۱۳. جمع‌بندی پاسخ‌های ارائه شده به وضعیت گردشگری حامی فقرا در نواحی روستایی پیرامون تالاب زریوار با بهره‌مندی از این تالاب با آزمون t

ابعاد اصلی سنجش گردشگری حامی فقرا	میانگین	مطلوب	مقدار t	سطح معنی	آزادی	وضعیت اثرپذیری از توان و منافع تالاب	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
							پایینتر	بالا تر
اجتماعی	۳	-۰,۷۳۰	-۵,۳۸	۰,۰۰۵	۳۴۹	نامناسب	-۰,۶۹۸	-۰,۴۰۸
اقتصادی	۳	-۰,۶۷۰	-۳,۶۵	۰,۰۰۱	۳۴۹	نامناسب	-۰,۳۹۴	-۰,۱۱۸
طبیعی	۳	-۰,۱۸۵	-۱,۵۸	۰,۰۱۰	۳۴۹	نامناسب	-۰,۳۲۶	-۰,۰۴۴
کالبدی	۳	۰,۰۸۰	۲,۴۹	۰,۰۲۱	۳۴۹	نسبتاً مناسب	۰,۰۱۶	۰,۱۴۳
گردشگری حامی فقرا	۳	-۰,۳۳۵	-۲,۶۸	۰,۰۰۱	۳۴۹	نامناسب	-۰,۵۳۷	-۰,۲۱۶

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)



شکل ۶. میانگین ابعاد اصلی گردشگری حامی فقر در نواحی روستایی پیرامون تالاب زریوار بر اساس آزمون t؛ منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

در ادامه به منظور تعیین موثرترین، بعدی که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی وضع موجود نامناسب در ارتباط با عدم اثرگذاری گردشگری در حمایت از فقرای روستایی منطقه مورد مطالعه از آزمون رگرسیون همزمان، بهره‌گرفته شد. بدین منظور؛ رضایت مردم محلی از

وضعیت بهره‌مندی از منافع گردشگری تالاب زریوار در قالب چهار متغیر (میزان رضایت کلی از وضعیت بهره‌گیری از منافع گردشگری تالاب زریوار؛ رضایت از اقدامات نهادهای توسعه‌ای در راستای بهبود وضعیت توسعه ظرفیتی در راستای بهره‌گیری از منافع گردشگری تالاب؛ رضایت از اقدامات مردم محلی در قالب اقدامات فردی و جمعی در راستای بهره‌گیری از منافع تالاب و گستره فقر در سطح روستاها) و هشت گویه متناسب در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت؛ سنجیده شد و به عنوان متغیر وابسته، پس از تلفیق، وارد مدل گردید. همچنین؛ میانگین‌های وضعیت بهره‌مندی اقتصادی، اجتماعی، محیطی، کالبدی-فضایی در ابعاد چهارگانه گردشگری حامی فقرا نیز به عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل، گردیدند و تأثیرات آنها بر متغیر وابسته پژوهش، سنجیده شد. در ابتدا؛ با نگاهی به آماره‌های مرتبط با تعیین صحت و اعتبار مدل، مشاهده می‌گردد که ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، قابل تبیین هستند. همچنین؛ سطح مناسبی از همبستگی چندگانه؛ مابین متغیرهای مستقل و برآیند مدل، وجود دارد. معنی‌داری آماره f نیز، نشان از قابلیت پیش‌بینی و معنی‌دار بودن مدل رگرسیون دارد. همچنین؛ مقادیر مناسب تولرانس نیز، نشان می‌دهد که اصل هم خط بودن متغیرها، رعایت گردیده است.

جدول ۱۴. آماره‌های تحلیل صحت و اعتباریابی رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	آماره f و معنی‌داری آن در آزمون ANOVA	فرض استقلال خطاها در آزمون Durbin-Watson
۰.۶۳۲	۰.۶۱۲	۰.۰۰	۱.۸۳۰
اقتصادی: ۰.۷۹۲	اجتماعی: ۰.۷۴۲	محیطی: ۰.۶۲۱	کالبدی: ۰.۵۸۷
			Tolerance

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

در ادامه؛ نتایج مدل آزمون شده؛ نشان می‌دهد که در ابتدا؛ تمامی ابعاد مورد سنجش دارای ارتباط معنی‌دار و قدرت تبیین مناسب وضعیت توسعه گردشگری حامی فقرا در منطقه هستند. در این میان با توجه به آماره‌های t و میزان مقادیر بتا؛ بعد اقتصادی و سپس؛ اجتماعی با دارا بودن بیشترین ضرایب بتا و آماره t ؛ بیشترین قدرت‌های تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی شکل‌گیری وضعیت موجود حمایت از فقرای روستایی بواسطه توسعه گردشگری را دارا هستند. این وضعیت؛ برآیندی از اهمیت تامین محیط اقتصادی ارزش‌افزا است که مبتنی بر تامین فرصت‌های شغلی و اشتغال پایدار و درآمدهای کمی مناسب برای فقرای روستایی می‌باشد. قدر مسلم؛ در وضعیت فعلی که بیکاری آشکار و پنهان و فشارهای اقتصادی بر محیط‌های روستایی غلبه دارد؛ مهمترین؛ محرک ایجاد یک محیط حمایت‌کننده از منفعت‌بری فقرای روستایی به شمار می‌آید. بنابراین، در راستای ایجاد محیطی که توسعه گردشگری آن از بین برنده فقر روستایی است؛ حلقه گمشده را بایستی؛ در بهبود متغیرهای اقتصادی، دانست. همچنین؛ مشخص شدن بعد اجتماعی به عنوان دومین بعدی که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد؛ بازتابی از این وضعیت می‌باشد که در محیط‌های روستایی که فقر و محرومیت، مشخصه اصلی آنها است؛ بهبود وضعیت اجتماعی نیز، تابعی از بهبود وضعیت اقتصادی بوده و چنانچه؛ شاخص‌های اقتصادی بواسطه بهره‌گیری از مزیت‌های تالاب در منطقه مورد مطالعه بهبود یابند؛ قدر مسلم، شرایط زیست‌پذیری اجتماعی نیز، افزایش خواهد یافت. هرچند که در این میان نیز، بایستی به توسعه مشارکت محور و ذی نفع محورانه در بهره‌مندی اقتصادی از منافع تالاب حرکت کرد تا عدالت توزیعی نیز، رعایت گردد.

جدول ۱۵. نتایج مدل رگرسیونی مورد آزمون

معنی‌داری	آماره T	ضریب استاندارد		مدل
		Beta	Std. Error	
۰.۰۰۲	3.079		.201	ضریب ثابت
۰.۰۰۶	5.702	.2۸0	.039	کالبدی-فضایی
		.618		

اجتماعی	214.	030.	3۴2.	7.046	000.
محیطی	132.	053.	109.	2.485	01۶.
اقتصادی	227.	026.	384.	8.824	000.
متغیر وابسته: میزان حمایت گردشگری از کاهش فقر روستایی و حمایت از فقرای روستایی محور تالاب زریوار					

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

در ادامه به منظور مشخص نمودن نحوه ارتباطات ابعاد اصلی موثر بر شکل‌گیری گردشگری حامی فقرا که دربرگیرنده وضعیت کیفیت زندگی فقرای روستایی منطقه مورد مطالعه می‌باشد؛ با همدیگر از آزمون همبستگی پیرسون، بهره گرفته شد. نتایج ارائه شده در جدول زیر، نشان از همبستگی معنی‌دار تمامی ابعاد با یکدیگر و با مجموع وضعیت اثربخشی گردشگری حامی فقرا، دارد. این وضعیت، نشان از سیستمی بودن و ارتباط متقابل و درهمتنیده بودن ابعاد مولفه فقر از یک سو و از سویی دیگر ابعاد و اجزای سیستمی گردشگری و نیز هر دو بعد اصلی گردشگری و فقر می‌باشد. بنابراین، تغییر کیفی در یک جز و عنصر موجب تغییر در سایر اجزا و عناصر می‌گردد. بر این اساس، در منطقه مورد مطالعه وجود نارسایی و ضعف‌ها در هرکدام از ابعاد مورد سنجش مرتبط با کیفیت زندگی فقرای روستایی که بواسطه اثرپذیری از توسعه گردشگری، نتوانسته‌بود؛ تغییر محسوسی داشته باشد؛ منجر به تسلط و تداوم شرایط فقر در منطقه و ناکارآمدی توسعه گردشگری در نواحی روستایی تالاب زریوار گردیده‌است. همچنین، این ارتباط درهمتنیده و وابستگی منجر می‌گردد که راهکارهای اتخاذی با دید جامع و با در نظرگیری هر دو مولفه گردشگری و فقر و ابعاد و عناصر مرتبط با هرکدام صورت گیرد تا بتوان به اصلاح سیستم گردشگری منطقه و به تبع آن کیفیت زندگی فقرای روستایی بازتابی از بهبود شرایط عینی و ذهنی آنها، دست یافت.

جدول ۱۶. وضعیت همبستگی ابعاد اصلی سنجش گردشگری حامی فقرا در آزمون پیرسون

گردشگری حامی فقرا	کالبدی-فضایی	اقتصادی	اجتماعی	طبیعی	مشخصات	ابعاد
۰,۶۰۸	۰,۲۲۲	۰,۵۰۵	۰,۴۰۷	1	همبستگی پیرسون	طبیعی
۰,۰۰۰	0.۰۴۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰		معنی‌داری دو گانه	
320	320	320	320	320	مجموع	
۰,۵۶۷	۰,۳۲۲	۰,۵۹۵	1	۰,۴۰۷	همبستگی پیرسون	اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۰۱۵	۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	معنی‌داری دو گانه	
320	320	320	320	320	مجموع	
۰,۵۲۳	۰,۴۰۳	1	۰,۵۹۵	۰,۵۰۵	همبستگی پیرسون	اقتصادی
۰,۰۰۰	۰,۰۲۲		۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی‌داری دو گانه	
320	320	320	320	320	مجموع	
۰,۳۶۴	1	۰,۴۰۳	۰,۳۲۲	۰,۲۲۲	همبستگی پیرسون	کالبدی-فضایی
۰,۰۰۰		۰,۰۲۲	۰,۰۱۵	۰,۰۴۱	معنی‌داری دو گانه	
1	۰,۳۶۴	۰,۵۲۳	۰,۵۶۷	۰,۶۰۸	همبستگی پیرسون	گردشگری حامی فقرا
	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی‌داری دو گانه	
320	320	320	320	320	مجموع	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

با توجه به وضعیت شکل گرفته در آخرین مرحله پژوهش نوع راهبردهایی که فقرای روستایی در راستای ورود به بازار گردشگری منطقه و بهره‌مندی از منافع توسعه گردشگری اتخاذ کرده‌اند؛ مورد سوال و مصاحبه قرار گرفت که کدگذاری باز مصاحبه‌ها، مهمترین راهبردهای اتخاذی را به شرح جدول زیر، مشخص نمود.

نوع راهبردهای اتخاذی، نکات برجسته‌ای را به شرح زیر، روشن می‌سازد که عبارتند از:

در ابتدا؛ ترکیب و نوع راهبردهای اتخاذی، کاملاً نشان می‌دهد که هیچ اقدام سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده توسط نهادهای دولتی به عنوان متولیان اصلی توسعه روستاهای منطقه در راستای افزایش توانمندی فقرای روستاها و توسعه ظرفیت آنها بواسطه آموزش و تزریق منابع مالی و... صورت نگرفته است. این وضعیت، نشان می‌دهد که سیاست‌ها و اقدامات اجرایی حوزه پشتیبانی و حمایت از فقرا در سطح روستاهای منطقه دنبال نمی‌گردد.

همانطور که مشخص است؛ ضعف منابع مالی کاملاً در میان فقرای روستایی در راستای ورود به بازار گردشگری منطقه و راه‌اندازی کسب و کارهای مربوطه به واسطه راهبردهای اتخاذی مشخص است. راهبردهای با جنبه تامین مالی که مبتنی بر قرض گرفتن، فروش دارایی‌ها و دریافت وام می‌باشد دارای بیشترین میانگین‌های رتبه‌ای و تعداد هستند.

همچنین؛ ضعف مهارت‌های فقرای روستایی نیز در راستای فعالیت در بازار گردشگری کاملاً مشهود بوده و کارگری ساده در مراکز خدماتی و اقامتی گردشگری منطقه که دارای کمترین ارزش‌افزایی است به عنوان عمومی‌ترین راهبرد است که دارای بیشترین میانگین رتبه‌ای از سوی پاسخگویان می‌باشد.

جدول ۱۷. رتبه‌بندی اهمیت راهبردهای اتخاذی فقرای روستایی جهت بهره‌مندی از منافع گردشگری

میانگین رتبه‌ای	راهبردها	میانگین رتبه‌ای	راهبردها
۴,۵۶	فروش زمین و یا اجاره دادن باغات	۷,۳۳	کارگرساده در مراکز خدماتی گردشگری
۴,۱۸	دریافت وام	۶,۰۳	افزایش ساعات کاری
۳,۳۳	بازاریابی مجازی و فروش مجازی صنایع دستی و اقامتگاه	۵,۴۸	قرض گرفتن پول جهت تامین سرمایه
		۵,۳۵	مصرف پس اندازها و فروش طلا و فلزات گرانبها ذخیره‌ای جهت تامین سرمایه
مجموع: ۳۵۰		آماره کای دو: ۵۴۹,۰۹	
سطح معنی داری: ۰,۰۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

همانگونه که در مبانی نظری ذکر گردید مهمترین، عرصه‌های فعالیتی فقرای روستایی در بازار گردشگری می‌تواند نقش به سزایی در اثرات مثبت گردشگری منفعت محور حامی فقرا داشته باشد در این راستا با توجه به وضعیت موجود بازار گردشگری محور تالاب زریوار و نیز توانمندی‌ها و گرایش‌های بازار گردشگری فقرای روستایی، می‌توانند در عرصه‌های فعالیتی زیر حضور داشته باشند. حضوری که لازمه پایداری آن آموزش، حمایت تا پایداری مشاغل و رفع نارسایی‌های عنوان شده در بخش زنجیره ارزش گردشگری منطقه می‌باشد.



شکل ۷. عرصه‌های فعالیتی فقرای روستایی در بازار گردشگری روستایی محور تالاب زیروار، منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

در نهایت جهت مشخص نمودن روستاهای دارای بیشترین پتانسیل از لحاظ گردشگری منفعت محور حامی فقرا با استفاده از مدل تاپسیس اقدام به رتبه بندی روستاها گردید همان‌طور که در جدول (۱)، ملاحظه می‌گردد؛ روستاهای ینگچه و سپس، دره تفی و کانی سانان، مهمترین روستاهای دارای مزیت در راستای تبدیل شدن به روستاهای هدف توسعه گردشگری رویداد محور در میان روستاهای پیرامون تالاب زیروار هستند. روستای ینگچه؛ مطلوبترین و مزیت‌دارترین روستا در راستای توسعه گردشگری رویداد محور و تبدیل شدن آن به روستاهای هدف و مرکزی برگزاری رویدادهای پیرامون تالاب زیروار، می‌باشد چرا که این روستا با دارا بودن سایت پرندنگری، سایت نیلوفرهای آبی، نزدیک بودن به مراکز اقامتی و بومگردی، وضعیت دسترسی و ارتباطی مناسب، سرمایه اجتماعی مردم محلی و همگرایی مناسب آنها، دارا بودن کارگاه تولید صنایع دستی با حضور زنان و مرکزیت داشتن برای روستاهای اطرافش، انجام طرح‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی، دارا بودن انجمن مردم نهاد و کافه سنتی و بومگردی در داخل روستا، اجرای کامل طرح هادی روستا و از همه مهمتر، برگزاری چندین دوره رویدادهای مختلف از مراسم جشن نوروز تا جشنواره غذاهای محلی و تئاتر، دارای ویژگی‌های برتری نسبت به سایر روستاهای پیرامون تالاب، می‌باشد.

جدول ۱۸. ماتریس بی‌مقیاس وزین

روستاها	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11
کانی سانان	0.00	8.77	24.81	20.34	6.50	2.24	0.22	1.54	0.61	0.68	2.94
نی	0.68	0.00	13.96	11.44	6.50	2.24	0.00	0.38	0.15	0.17	1.31
دره تفی	0.68	8.77	38.77	20.34	6.50	5.05	0.22	1.54	0.61	0.68	5.22
ینگچه	10.93	15.59	24.81	20.34	11.56	8.97	2.00	9.62	1.37	1.53	8.16
پیرصفا	0.00	3.90	24.81	11.44	2.89	5.05	0.00	1.54	0.00	0.00	0.00
کانی سفید	0.00	0.97	13.96	5.08	2.89	5.05	0.00	1.54	0.00	0.00	0.00
کولان	0.00	0.00	24.81	20.34	6.50	2.24	0.00	0.38	0.00	0.00	0.33

سیف سفلی	0.00	0.00	13.96	5.08	6.50	2.24	0.00	0.38	0.00	0.00	0.00
----------	------	------	-------	------	------	------	------	------	------	------	------

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

جدول ۱۹. تعیین مقادیر ایده‌آل منفی، مثبت، فاصله از ایده‌آل مثبت و رتبه‌بندی روستاهای پیرامون تالاب زریوار بر اساس میزان مزیت در توسعه

گردشگری رویداد محور

رتبه	نزدیکی به راه‌حل ایده‌آل	راه‌حل ضد ایده‌آل	راه‌حل ایده‌آل	روستاها
۳	0.480249	21.24494	22.99237	کانی‌سانان
۶	0.174082	7.461897	35.4024	نی
۲	0.654995	31.24454	16.45741	دره تفی
۱	0.693076	31.5198	13.95835	ینگچه
۵	0.328844	13.51453	27.58252	پیرصفا
۸	0.078124	3.184576	37.57841	کانی سفید
۴	0.40533	19.07187	27.98085	کولان
۷	0.086893	3.613381	37.97099	سیف سفلی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نتیجه گیری

فقر به عنوان مهم‌ترین مانع تحقق توسعه روستایی، با افزایش آسیب‌پذیری معیشتی موجب از بین بردن و کاهش سطح دسترسی به دارایی‌های معیشتی می‌گردد که در نتیجه آن، تاب‌آوری معیشتی روستاییان کاهش یافته و معیشت روستاییان به راحتی توسط بحران‌های انسانی و طبیعی از هم پاشیده می‌شود. البته با این توضیحات، مشخص می‌گردد که منظور از فقر تنها، فقر اقتصادی که مبتنی بر نازل بودن سطح درآمد می‌باشد، نیست. بلکه فقر در نظریات جدید دارای ابعاد مختلفی بوده که سطح درآمد، تنها یکی از بخش‌های آن است. امروزه؛ بایستی به فقر به عنوان پدیده‌ای چندوجهی نگریست و شیوه حل و برنامه‌ریزی برای حذف آن را هم می‌بایست مبتنی بر دیدی جامع و همه‌جانبه‌نگرانه در نظر گرفت. توسعه گردشگری برای روستا و نه روستا برای توسعه گردشگری اصلی بود که در کنار رشد همراه با توزیع، به تغییر رویکردهای توسعه گردشگری در مقاصد روستایی مبتنی بر تأکید بر فقرای روستایی و منفعت‌بری اقشار محروم از منافع توسعه گردشگری همانند سایر اقشار بدل گردید. گردشگری حامی فقرا، رویکرد اصلی توسعه گردشگری در مناطق محروم و فقیر در راستای اثربخشی آن و توانمندسازی فقرای روستایی در راستای حضور در بازار پرمفعت گردشگری است. گردشگری حامی فقرا به معنی ایجاد یک رانت و امتیاز ویژه برای فقرای روستایی و حذف اقشار سرمایه‌گذار و ثروتمند نیست، بلکه این رویکرد اصولی را ترویج می‌کند که منفعت‌بری تمامی اقشار در کنار فقرای روستایی را تضمین می‌کند. مقاصد روستایی، چنانچه می‌خواهند که در بازار رقابتی کنونی گردشگری به رکود گراییده نشوند و گردشگران با پذیرش مناسب تمامی اقشار مردم محلی همراه گردند، بایستی به سمت توسعه و گسترش اصول گردشگری حامی فقرا در مدیریت مقاصد گردشگری خود حرکت نمایند. در این مقاصد، سیاست‌گذاری‌ها و مداخلات هدفمند به منظور توانمندسازی اقشار فقیر در راستای غلبه بر تله فقر موجود و روی‌آوری به خلاقیت‌محوری و ریسک‌پذیری، مورد نیاز است. این تحقیق حاضر که با هدف سنجش اثرات گردشگری منفعت محور حامی فقرا در مناطق روستایی و تبیین راهبردهای اتخاذ شده از سوی روستائیان انجام گرفت، به دنبال پاسخگویی به سه سوال بود که یافته‌های حاصله به شرح ذیل است:

در راستای پاسخگویی به سوال اول پژوهش، بررسی پاسخ‌های ارائه شده نشان داد که در سه بعد بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و طبیعی وضعیت نامناسب و تنها در بعد بهبود وضعیت کالبدی – فضایی است که توسعه گردشگری در سطح منطقه مورد مطالعه توانسته

است به تغییرات مثبت کیفیت زندگی فقرای روستایی منجر گردد. میانگین‌های حاصله برای بعد اجتماعی؛ برابر مقدار نامناسب ۲,۲۸ برای بعد اقتصادی؛ برابر مقدار نامناسب ۲,۳۳ و برای بعد طبیعی؛ برابر مقدار نسبتاً نامناسب ۲,۹۷ در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ و برای بعد کالبدی برابر مقدار نسبتاً مناسب ۳,۰۸ و در مجموع نیز میانگین حاصله از اثرگذاری گردشگری حامی فقرا در سطح منطقه برابر مقدار نامناسب ۲,۶۶ در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ ارزیابی گردیده است. آن چنان که مشخص است؛ توسعه گردشگری در سطح روستاهای تالاب زریوار نتوانسته است به بازآفرینی و تحول‌بخشی به فضای اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز فقرای روستایی در راستای ورود و توانمندسازی آنها دست یابد. به بیانی دیگر، توسعه گردشگری، می‌بایست؛ فضا را در راستای به فعلیت رسیدن توانایی‌هایی قشر فقر روستاها مساعد می‌کرد که این امر رقم نخورده است. وضعیتی که نشان می‌دهد که اصول گردشگری حامی فقرا در سطح منطقه پیاده نگردیده و مدیریت توسعه گردشگری منطقه بر مبنای اصول توسعه گردشگری رشدگرا استوار است. در این حالت، می‌توان اذعان کرد که نه گردشگری برا روستاییان بلکه روستا و منابع آن برای گردشگری بوده است.

در راستای پاسخگویی به سوال دوم پژوهش، در ابتدا، آزمون رگرسیون، نشان داد که موثرترین بعدی که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی وضع موجود نامناسب در ارتباط با عدم اثرگذاری گردشگری در حمایت از فقرای روستایی منطقه مورد مطالعه را دارد؛ بعد اقتصادی و سپس؛ اجتماعی هستند. در واقع، عدم اثرگذاری توسعه گردشگری بر بهبود وضعیت اقتصادی معیشت روستاییان موجب گردیده تا گردشگری حامی فقرا در سطح منطق شکل نگیرد و به تناسب آن نیز تحول شاخص‌های اجتماعی به ویژه توان گریز از فقر روستاییان به عنوان یک متغیر اصلی تحول اجتماعی شکل نگیرد. نبایستی از یاد برد که در مناطق محرومی همانند منطقه مورد مطالعه، عامل اصلی پذیرش و زنده ماندن و رونق گرفتن هر فعالیتی در ابتدا؛ ایجاد منفعت اقتصادی برای مردم محلی است و فعالیتی که نتواند این اثرگذاری را به صورت گسترده و همه شمول، ایجاد نماید با پذیرش و استقبال مردم محلی روبرو نگردیده و در تحول وضعیت اجتماعی هم، اثرگذاری نخواهد داشت. بنابراین، برای ارتقای سطح کیفیت زندگی فقرای روستایی در منطقه و گسترش و پایه‌گذاری گردشگری حامی فقرا در ابتدا نیاز به ایجاد منافع اقتصادی حاصل از گردشگری برای فقرای روستایی و لمس و نشأت این منافع در میان آنها خواهد بود. بنابراین، تحول اقتصادی، زیربنای تحول اجتماعی و فرهنگی و پایه‌گذار توانمندسازی روستاییان فقر در این منطقه گردشگری خواهد بود.

همچنین؛ سنجش نحوه ارتباطات ابعاد مورد سنجش معیشت، کار و فعالیت روستاییان متأثر از گردشگری حامی فقرا در سطح منطقه نشان از ارتباط معنی‌دار و همبستگی مثبت و مستقیم تمامی ابعاد مورد سنجش داشت. این وضعیت، نشان می‌دهد که چنانچه به دنبال اثرگذاری توسعه گردشگری در رفع فقر روستایی هستیم؛ بایستی تمامی ابعاد و شاخص‌ها را همزمان با هم، مورد توجه قرار دهیم و از تکیه صرف در مداخلات سیاستگذاری بر روی یک بعد و غافل شدن از سایر ابعاد، پرهیز کنیم. در واقع، هرچند در یافته‌های قبلی، مشخص گردید که بایستی اولویت اقدامات بر روی ارتقای شاخص‌های اقتصادی در راستای منفعت‌بری مردم محلی، باشیم اما همزمان با این مداخلات، نبایستی توانمندسازی اجتماعی و بهبود شاخص‌های کیفیت محیط زیستی به ویژه در بعد حفاظت محیط طبیعی را که وضعیت آن در سطح منطقه نامناسب، ارزیابی گردیده؛ فراموش نماییم. این وضعیت، نشان از سیستمی بودن و ارتباط متقابل و درهمتنیده بودن ابعاد مولفه فقر از یک سو و از سویی دیگر ابعاد و اجزای سیستمی گردشگری و نیز هر دو بعد اصلی گردشگری و فقر می‌باشد.

همچنین در راستای پاسخگویی به سوال سوم پژوهش، به ترتیب؛ کارگرساده در مراکز خدماتی گردشگری؛ افزایش ساعات کاری؛ قرض گرفتن پول جهت تامین سرمایه؛ مصرف پس‌اندازها و فروش طلا و فلزات گرانبها ذخیره‌ای جهت تامین سرمایه؛ فروش زمین و یا اجاره دادن باغات؛ دریافت وام و بازاریابی مجازی و فروش مجازی صنایع دستی و اقامتگاه، مهمترین؛ راهبردهای اتخاذی از سوی فقرای روستایی منطق در راستای تامین معیشت و یا بهره‌مندی از منابع گردشگری بوده است. ترکیب راهبردهای اتخاذی نشان از عدم وجود

تلاش معنی‌دار و سازمان یافته توسط مدیریت بخش دولتی در راستای بهره‌مندی فقرا از منافع گردشگری روستایی می‌باشد. آن چنان که مشخص است فقرای روستایی منطقه با سطح بسیار نازل سرمایه‌های معیشتی و مهارت‌های عملی در راستای ورود به بازار گردشگری و کمترین؛ حمایت پشتیبانی بخش دولتی، همراه هستند تا این چنین، راهبردهایی اتخاذی، نتواند زمینه‌های توانمندسازی آنها و ایجاد اشتغال و منفعت‌بری پایدار آنها از منافع گردشگری منطقه را موجب گردد. ضعف منابع مالی کاملاً در میان فقرای روستایی در راستای ورود به بازار گردشگری منطقه و راه‌اندازی کسب و کارهای مربوطه به واسطه راهبردهای اتخاذی مشخص است. راهبردهای با جنبه تامین مالی که مبتنی بر قرض گرفتن، فروش دارایی‌ها و دریافت وام می‌باشد دارای بیشترین میانگین‌های رتبه‌ای و تعداد هستند.

راهکارها.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات ذیل به عنوان چارچوبی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت اثر گذاری بهتر و بیشتر گردشگری منفعت محور حامی فقرا در منطقه مورد مطالعه، مطرح می‌گردد:

- ایجاد مشاغل پایدار مرتبط با گردشگری برای فقرای روستایی، از جمله اشتغال در بخش‌های خدمات گردشگری، صنایع دستی، و راهنمایی تور.
- ارائه برنامه‌های آموزشی و مهارت‌افزایی به منظور ارتقای توانمندی‌های حرفه‌ای روستاییان در حوزه گردشگری.
- تسهیل دسترسی به منابع مالی از طریق ارائه وام‌های کم‌بهره، ایجاد صندوق‌های خرد اعتباری، و تشویق سرمایه‌گذاری‌های کوچک محلی.
- ارتقای زیرساخت‌های حمل‌ونقل و دسترسی به روستاهای اطراف تالاب زریبار به منظور تسهیل جذب گردشگران.
- توسعه امکانات اقامتی و پذیرایی با مشارکت فعال جوامع محلی و با رعایت اصول پایداری.
- ایجاد مراکز اطلاعات گردشگری در روستاها به منظور ارائه خدمات اطلاعاتی و راهنمایی به گردشگران.
- اجرای برنامه‌های حفاظتی برای حفظ اکوسیستم تالاب زریبار و آموزش جوامع محلی در زمینه مدیریت پایدار منابع طبیعی.
- ترویج گردشگری پایدار با تأکید بر کاهش آلودگی، حفظ تنوع زیستی، و استفاده بهینه از منابع محیطی.
- تشویق مشارکت فعال فقرای روستایی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری.
- تشکیل تعاونی‌های گردشگری به منظور مدیریت جمعی منابع و توزیع عادلانه منافع حاصل از گردشگری.
- طراحی کمپین‌های تبلیغاتی برای معرفی جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی منطقه در سطح ملی و بین‌المللی.
- استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای بازاریابی و فروش محصولات و خدمات گردشگری روستایی.
- ارائه آموزش‌های تخصصی به ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری در راستای بهبود استانداردهای کیفیت خدمات.
- ظارت مستمر بر کیفیت خدمات و ارائه بازخوردهای سازنده به منظور بهبود مستمر.
- طراحی تورهای ویژه مبتنی بر جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی منطقه، مانند تورهای طبیعت‌گردی و فرهنگی.
- توسعه و بازاریابی صنایع دستی محلی به عنوان بخشی از تجربه گردشگری و منبع درآمد برای جوامع روستایی.

منابع

۱. باباخانزاده، ادريس، و لطفی، صدیقه. (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات گردشگری بر روستای قروی قلعه. مدیریت گردشگری، ۷(۲)، ۸۱-۱۱۶.
۲. بوکانی، رشید، و امیری، رضوان. (۱۳۹۳). تحلیل گردشگری روستایی شهرستان مریوان. مدیریت شهری، (۳۶)، ۱۲۵-۱۳۸.
۳. پورجعفر، محمد رضا، محمودی نژاد، هادی، و ایلکا، شاهین. (۱۳۹۱). فراتحلیل ارزیابی رویکردهای توسعه گردشگری روستایی. علوم تکنولوژی محیط زیست، ۱۴(۲)، ۶۱-۷۵.
۴. رضوانی، محمدرضا، بدری، سیدعلی، و ترابی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۸). تجربه زیسته فقرا برای مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با طبیعت‌گردی (مورد: روستاهای منتخب شرق استان سمنان). پژوهش‌های روستایی، ۱۱۳(۱)، ۲۴-۳۱.
۵. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، و قادری، اسماعیل. (۱۳۸۱). نقد گردشگری روستایی در توسعه روستایی. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۶(۲)، ۴۱-۲۳.

۶. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، مهدوی، داوود، و پورطاهری، مهدی. (۱۳۹۰). ارزیابی پایداری گردشگری در روستاهای تاریخی-فرهنگی ایران با تأکید بر پارادایم توسعه پایدار گردشگری. فصلنامه مطالعات گردشگری، (۱۴)، ۳۴-۲.
۷. رومیانی، احمد، عینالی، جمشید، هادی‌پور، مرضیه، و حجی‌پور، محمد. (۱۳۹۵). برآورد و سنجش رابطه اثرگذاری گردشگری با کاهش فقر در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای چنگوره و اسماعیل‌آباد شهرستان آوج. جغرافیایی فضای گردشگری، (۲۰)، ۹۸-۸۱.
۸. سازمان جهانی گردشگری (۲۰۲۱). شاخص‌های توسعه پایدار گردشگری. <https://www.unwto.org/sustainable-tourism-indicators>
۹. شکوری، علی، و بهرامی، شقایق. (۱۳۹۳). مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد روستاهای قلعه‌نو و کلین شهرستان ری. توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)، (۱)، ۲۴-۱.
۱۰. محمدی سعدی؛ مرادی، اسکندر، و رشیدی، زبیده. (۱۳۹۶). اثرات گردشگری بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی، از دید جامعه میزبان مطالعه موردی: بخش اورامان (شهرستان سروآباد). فصلنامه علمی جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، (۵۲)، ۱۲۱-۱۳۶.
۱۱. محمدی، سعدی و راستگونزد، بختیار (۱۳۹۷) بررسی تغییرات تاب‌آوری معیشتی خانوارهای روستایی در دو دوره سکونت در شهر و مهاجرت به روستاها (مطالعه موردی: دهستان دزلی شهرستان سروآباد)، فصلنامه علمی جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، (۵۹)، ۱۶۱-۱۷۷.
۱۲. محمدی، علی؛ حسینی، زهرا. (۱۴۰۰). گردشگری حامی فقرا با رویکرد انتقادی. فصلنامه مطالعات گردشگری، (۳)، ۱۲-۸۹.
- ۱۳.
14. Alkire, S., & Santos, M. E. (2010). Acute multidimensional poverty: A new index for developing countries. Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI).
15. Ashley, C., & Roe, D. (2002). Making tourism work for the poor: Strategies and challenges in southern Africa. Development Southern Africa, 19(1), 61-82.
16. Ashley, Caroline, Boyd, Charlotte, Goodwin, Harold (2000). Pro-poor tourism: putting poverty at the heart of the tourism agenda. Natural Resource Perspectives, 51(3), 1-6.
17. Ashley, Caroline, Goodwin, Harold, Roe, Dilys (2005). Pro-Poor Tourism Strategies: Expanding Opportunities for the Poor. Pro-poor tourism briefing, 1(1), 2-19.
18. Blake, A.; Arbache, J.S.; Sinclair, M.T.; Teles, V. (2008). Tourism and poverty relief. Annals of Tourism Research, 35, 107-126.
19. Carney, D. (2012). Approaches to Sustainable Livelihoods for the Rural Poor. Overseas Development Institute. Retrieved from <https://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/3093.pdf>.
20. Croes, Robertico (2015). Tourism and poverty reduction in Latin America: where does the region stand? Worldwide Hospitality and Tourism Themes, 6(3), 15-31.
21. Dossou, T. A. M., Ndomandji Kambaye, E., Bekun, F. V., & Eoulam, A. O. (2023). Exploring the linkage between tourism, governance quality, and poverty reduction in Latin America. Tourism Economics, 29(1), 210-234.
22. Gantait, Arnab, Mohanty, Priyakashna, Singh, Kuldeep (2021). Pro-Poor Tourism in India: Reality or Hyperbole! Psychology and Education, 58(2), 9672-9682.
23. Goodwin, H. (2006). Measuring and reporting the impact of tourism on poverty. UNWTO.
24. Guo, S.; Li, X.; Cao, N.; Wang, Y. (2018). The Impact of Rural Tourism on the Poverty Vulnerability of Aging Rural Households. Sustainability, 15(1), 12-22.
25. Hall, C.M., & Lew, A. (2009). Understanding and managing tourism impacts: An integrated approach. London: Routledge.
26. Harrison, D., & Schipani, S. (2007). Lao tourism and poverty alleviation: Community-based tourism and the private sector. Current Issues in Tourism, 10(2-3), 194-230.
27. Hawkins, D. E., & Mann, S. (2007). The World Bank's role in tourism development. Annals of Tourism Research, 34(2), 348-363.
28. IFAD. (2010). Climate change: building the resilience of poor rural communities. Retrieved from https://www.preventionweb.net/files/13169_e1.pdf.

29. Ionela, Paven, Gavrilă, Mircea Constantin, Bârsan, Dogaru, Lia-Dorica (2015). Advantages and Limits for Tourism Development in Rural Area (Case Study Ampoi and Mureş Valleys). *Procedia Economics and Finance*, 32(3), 1050-1059.
30. Jing, S., Liu, J., Cheng, J., Cheng, X., Wang, J. (2021). Interaction between ecosystem services and rural poverty reduction: Evidence from China. *Environmental Science & Policy*, 119, 1–11.
31. Kaag, M., Berkel, R.V., Brons, J., Bruijn, M., Van Dijk, H., Haan, L.d., & N, Gerben. (2012). Poverty is Bad: Ways Forward in Livelihood Research. Research School for Resource Studies for Development. Retrieved from <https://core.ac.uk/download/pdf/18506969.pdf>.
32. Liu, Chunyan; Dou, Xueting; Li, Jiangfeng; Cai, Liping A. (2020). Analyzing government role in rural tourism development: An empirical investigation from China. *Journal of Rural Studies*, 79(4), 177–188.
33. Martini, R., Sri Astuti Soeryaningrum Agustin, E., Setiyono, B. (2022). The paradox of rural tourism and poverty alleviation. *Turyzm/Tourism*, 32(2), 87–105.
34. Moghim, S., & Garna, R. K. (2019). Countries' classification by environmental resilience. *Journal of Environmental Management*, 230(29), 345–354.
35. Nikolla, Irida, Miko, David (2013). Importance of Tourism in Community Development. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(9), 2-12.
36. Okech, R. N., Haghiri, M., & George, P. B. (2012). Rural Tourism as a Sustainable Development Alternative: An Analysis with Special Reference To Luanda, Kenya. *Cultura*, 6(3), 36-54.
37. Rossetto, T., Sofield, T., & Li, F. M. S. (2007). Harnessing tourism as a means of poverty alleviation: using the right language or achieving outcomes? *Tourism Recreation Research*, 32(1), 50-28.
38. Scheyvens, R. (2007). Exploring the tourism-poverty nexus. *Current Issues in Tourism*, 10(2-3), 231-254.
39. Shah, I. A., Haq, I. ul, & Shah, A. W. (2022). Exploring Poverty-tourism Nexus in South Asian Countries: A Panel Dynamic Estimation. *Global Business Review*.
40. Sharif, Norhafiza, & T Lonik, Ku Azam. (2017). Sustaining the Entrepreneurship in Rural Tourism Development. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 4(31), 10.12-22.
41. Sharma, M., Mohapatra, G., & Giri, A. K. (2022). Is tourism pro-poor in India? An empirical investigation using ARDL approach. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 38(4), 602-618.
42. Škrbić, Iva, egdić, Vaso, Milošević, Srđan. (2018). Pro-poor tourism for the purpose of rural environment development. *Economics of Agriculture*, 65(1), 337-389.
43. Tang, J., Gong, J., Ma, W., Rahut, D. B. (2022). Narrowing urban–rural income gap in China: The role of the targeted poverty alleviation program. *Economic Analysis and Policy*, 75, 74–90.
44. Wilson, B. (2009). Economic Diversification and Prospects for Sustainable Rural Livelihoods in a Dryland Agrarian Village: A Case Study in Bijapur District Karnataka, India. A Thesis Submitted to the Faculty of Graduate Studies In Partial Fulfillment of the Requirements For the degree of master of natural resources management. University of Manitoba Winnipeg, Manitoba.
45. Yang, X., & Hung, K. (2014). Poverty alleviation via tourism cooperatives in China: The story of Yuhu. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 26(6), 879–906.
46. Yanan, Li, Ismail, Mahmud, Aminuddin, Ahmad (2024). How has rural tourism influenced the sustainable development of traditional villages? A systematic literature review. *Heliyon*, 10.
47. Yong-qin, Dong, Lin-xiu, Zhang, Cheng-fang, LIU (2021). Off-farm employment and poverty alleviation in rural China. *Journal of Integrative Agriculture*, 20(4), 943–952.
48. Zhao, W., & Ritchie, J. R. B. (2007). Tourism and Poverty Alleviation: An Integrative Research Framework. *Current Issues in Tourism*, 10(2-3), 119–143.

Assessing the Effects of Benefit-Oriented Pro-Poor Tourism in Rural Areas and Explaining (Case Study: Villages Around Zarivar Lake, the Strategies Adopted by Rural Dwellers Marivan County)

Abstract

Pro-poor tourism development is a widely accepted approach to managing the development of rural tourism destinations, aiming to alleviate poverty through growth coupled with the redistribution of tourism benefits. The significance of focusing on rural tourism destinations around Zrivar Wetland, one of the most important rural tourism hubs in Kordistan Province, is evident given the prevalence of rural poverty in the region. This applied research was conducted to assess the development status of this tourism management approach in the villages surrounding the wetland. This descriptive-analytical study combines theoretical data collection from documentary sources with practical field surveys. The research adopts a quantitative, comparative, and cross-sectional approach, focusing on eight villages around Zrivar Wetland. The statistical population includes household heads in the lagoon's villages, with 363 researcher-designed questionnaires distributed using Cochran's formula and stratified sampling. The questionnaires included indicators related to rural poverty reduction influenced by tourism development. Findings from data analysis using inferential statistical tools revealed unfavorable conditions in three dimensions: economic (2.33), social (average 2.28), and natural (2.97). Only in the physical-spatial dimension (3.08) did tourism development lead to relatively positive changes in the quality of life for the rural poor. The economic dimension was identified as the most influential in explaining the current unfavorable situation regarding tourism's ineffectiveness in supporting the rural poor, followed by the social dimension. The results indicate a significant difference in the economic and social dimensions of tourism's impact on the quality of life of the poor in the studied villages, while no such difference was observed in the natural and physical dimensions. This discrepancy can be explained by three variables: household size, age, and diversity of income sources. Key strategies adopted by the rural poor to sustain livelihoods or benefit from tourism resources include: working as laborers in tourism service centers, increasing working hours, borrowing money for financing, depleting savings, selling gold and precious metals as capital reserves, selling or renting land and gardens, obtaining loans, and engaging in virtual marketing and online sales of handicrafts and accommodation services. These strategies highlight the lack of pro-poor tourism support in the region and the marginalization of the rural poor in its tourism market.

Keywords: rural tourism; pro-poor tourism; tourism management; Zrivar Wetland; rural development